



رهبر معظم انقلاب در دیدار هزاران نفر از معلمان با اشاره به اظهارات رئیس جمهور آمریکا در سفر به منطقه مطرح کردند

دروغ ترامپ!

رئیس جمهور آمریکا به این کشورهای عربی یک الگویی را پیشنهاد می کند که به قول خود او، با این الگو، این کشورها بدون آمریکا ده روز هم نمی توانند زندگی کنند. این جوری گفت دیگر؛ گفت: «اگر آمریکا نباشد، این ها ده روز نمی توانند خودشان را نگه دارند؛ آمریکا این ها را نگه می دارد.» حالا هم در معاملات خود، در رفتار خود، در پیشنهاد های خود، همین الگو را به این ها دارد مجدداً ارائه می دهد و تحمیل می کند، جوری که این ها بدون آمریکا نتوانند زندگی کنند. مطمئناً این الگو شکست خورده است. به همت ملت های منطقه، آمریکا از این منطقه باید برود و خواهد رفت. حتماً، در این منطقه، آن نقطه مایه فساد، مایه جنگ، مایه اختلاف، رژیم صهیونی است؛ رژیم صهیونی که غده سرطانی خطرناک مهلک این منطقه است، حتماً باید برکنده شود و خواهد شد.

جمهوری اسلامی اصول مشخصی دارد، منظومه ارزشی معینی دارد. با همه ی فراز و نشیب هایی که در پیرامون ما اتفاق افتاده، بر این اصول تکیه کرده و کشور را پیش برده است. امروز ایران، ایران سی سال قبل، چهل سال قبل و پنجاه سال قبل نیست. امروز، به توفیق الهی، به فضل الهی، به کوری چشم دشمنان، به رغم انف دیگران، ایران پیشرفت کرده است و چندین برابر این، باز هم ان شاء الله پیشرفت خواهد کرد. و این را همه خواهند دید. جوانهای ما، به بهترین وجه، این را خواهند دید. و ان شاء الله در ساخت ایران اسلامی مطلوب، همه همکاری خواهند کرد.

عزیزان من! میلیون ها دختر و پسر از شش ساله تا هجده ساله سروکارشان با آموزش و پرورش است، در اختیار آموزش و پرورشند؛ اگر این نسل نو، این جمعیت عظیم میلیونی خوب تربیت نشوند، ما پیش خدا و پیش آیندگان چه جوابی داریم؟ ساختار آموزش و پرورش باید به نحوی باشد که به معنای واقعی کلمه اینها را از لحاظ علمی - علم نافع - و از لحاظ فرهنگی و ایمانی و پرورشی تربیت کند.

بعضی از این حرف هایی که در این سفر رئیس جمهور آمریکا به منطقه مطرح شد، لایق جواب دادن نیست اصلاً. این قدر سطح حرف پایین است که مایه سرافکندگی گوینده حرف و مایه سرافکندگی ملت آمریکاست. آن ها را کار ندارم، لکن باید روی یکی دو جمله توجه بکنیم. ترامپ گفت که می خواهد از قدرت برای صلح استفاده کند؛ دروغ گفت. ایشان و مسئولان آمریکایی، دولت های آمریکا، از قدرت استفاده کردند برای قتل عام غزه، برای جنگ افروزی در هر جایی که بتوانند، برای حمایت کردن از مزدوران خودشان. از قدرت، این استفاده را کردند. کی از قدرت برای ایجاد صلح استفاده کردند. بله، از قدرت می شود برای صلح و امنیت استفاده کرد. به همین دلیل هم هست که ما، به کوری چشم دشمنان، هر روز بر قدرت خودمان و قدرت کشور ان شاء الله اضافه خواهیم کرد.

حفاظت

سنگر ناامیدسازی دشمنان ایران

راز دشمنی و وارونه گویی ترامپ

جهان در آستانه تحول!

علی حیدری

سردبیر

نگاهی گذرا به تاریخ ۱۰۰ سال اخیر نشان می‌دهد برای دهه‌ها، جهان تحت سلطه ایالات متحده آمریکا بود؛ قدرتی که پس از جنگ سرد، خود را به‌عنوان رهبر بلامنسازع نظام بین‌الملل معرفی کرد. اما اکنون، شواهد روشنی از گذار جهان به‌سوی یک نظم چندقطبی دیده می‌شود. این تغییر نه‌تنها در عرصه ژئوپلیتیک، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و حتی فرهنگی و رسانه‌ای نیز خود را نشان داده است. اگرچه آمریکا همچنان تلاش می‌کند تا به‌زم خود یک قدرت پیشرو باشد. اما نشانه‌های آشکاری از افول نفوذ جهانی‌اش مشاهده می‌شود. شکست‌های پی‌درپی در جنگ‌های منطقه غرب آسیا، خروج از افغانستان، برچیده شدن پایگاه‌های آمریکا از عراق، عدم توفیق در تأمین امنیت رژیم صهیونی، بی‌نتیجه ماندن ماه‌ها تجاوز نظامی به یمن و ناکامی در کنترل رقابت‌های اقتصادی با چین، چالش‌هایی را برای آمریکا ایجاد کرده است. به این موارد؛ افزایش اختلافات داخلی در آمریکا را اضافه کنید. در این میان چین با اجرای طرح بلندپروازانه ابتکار «کمربند و جاده» که سرمایه‌گذاری در زیربنایهای اقتصادی بیش از ۷۰ کشور جهان است، نفوذ خود را در آسیا، آفریقا و حتی اروپا گسترش داده است. این کشور اکنون نه‌تنها یک قدرت اقتصادی، بلکه یک رقیب جدی ژئوپلیتیکی برای غرب به‌ویژه آمریکا محسوب می‌شود. به‌طور قطع، اولویت اول آمریکا مهار «چین» است. اما برای رسیدن به این مهم نیازمند حل‌وفصل برخی پرونده‌های باز در منطقه غرب آسیا است. از ماجرای غزه تا اختلافات با ایران و ... از سوی دیگر، روسیه نیز باوجود تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، موفق شده جایگاه خود را در معادلات جهانی حفظ کند و علیرغم جنگ چند ساله اخیر در اوکراین، در برابر فشارها و تحریم‌های غرب ایستادگی کند. اما در کنار همه اینها هوش مصنوعی، جنگ سایبری و انقلاب صنعتی چهارم از جمله عواملی هستند که در حال تغییر دادن ساختار قدرت جهانی هستند. کشورهایی که توانایی کنترل داده‌ها، تسلیحات هوشمند و اقتصاد دیجیتال را دارند، می‌توانند معادلات قدرت را به‌نفع خود تغییر دهند. رقابت میان آمریکا و چین بر سر حوزه فناوری نشان‌دهنده همین روند است. سفر اخیر رئیس‌جمهور آمریکا به چند کشور عربی حوزه خلیج فارس هم در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است. سفری که اگرچه با جذب سرمایه‌های چند تریلیون دلاری همراه است، اما در بُعد دیپلماسی حاوی پیام‌هایی به افکار عمومی و رقبای سرسخت اقتصادی‌اش است! این نمایش‌های سیاسی، نه‌تنها نشان‌دهنده قدرت و اقتدار آمریکا نیست، بلکه حاوی این پیام است که آمریکا برای جلوگیری از افول هژمونی خود و جبران کسری‌های اقتصادی و تجاری‌اش به چنین دوره‌گردی‌هایی نیاز دارد!

خلاصه اینکه در دوران گذار از نظام تک‌قطبی به چندقطبی، پیدا کردن نقش و جایگاه کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین این یک فرصت تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای است تا با نقش‌آفرینی درست، شناخت دقیق، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری نسبت به تدوین راهبردهای هوشمندانه اقدام کند تا علیرغم تحریم‌ها و محدودیت‌های دشمنان، ضمن ارتباط متوازن با همه کشورها و بهره‌گیری از فرصت‌های بزرگی مانند بریکس، شانگ‌های و... موفقیت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی کسب کند.

بر علیه ایران باشد.

۱- ایران با انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، از یک کشور تحت سیطره آمریکا و متحد رژیم کودک‌کش صهیونیستی خارج شد، و به استقلال سیاسی واقعی با رویکرد فضیلت‌خواهی همه‌جانبه‌دست یافت. ۲- واقعیت‌ها، سیاست‌ها و رویکردهای جدید نظام مردم‌سالاری دینی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، نظام سلطه با محوریت آمریکا را به‌شدت نگران کرد. اصلی‌ترین عامل نگرانی غربی‌ها نسبت به انقلاب اسلامی و نظام ولایی ملت ایران، پدیدایی و شکل‌گیری یک ایران قوی، پیشرفته و الهام بخش، در راهبردی‌ترین منطقه جهان، یعنی غرب آسیا بود. ایران قوی که با سیاست و رویکرد قرآنی، اخلاقی و انسانی‌اش، با نظام حاکم بر جهان که دارای ماهیت سلطه‌گری و سلطه‌پذیری می‌باشد؛ به‌طور کامل نه‌تنها مخالفت دارد، بلکه به مبارزه با چنین نظام ظالمانه و ناعادلانه، هم از نظر دینی و هم از نظر انسانی و اخلاقی، اعتقاد دارد. ۳- براساس واقعیت‌های پیش گفته، قدرت‌های غربی و به خصوص چهار کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، به استناد مذاکرات سران این کشورها در کنفرانس «گوادلوپ» فرانسه با موضوع ایران، سیاست بحران‌آفرینی در داخل کشورمان برای شکست انقلاب اسلامی و ساقط کردن جمهوری اسلامی، با هدف بازگشت سلطه غرب بر ایران را در پیش گرفتند!

۴- بر اساس سیاست بحران‌آفرینی برای ملت ایران با هدف براندازی جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام دست‌نشانده همانند رژیم منحوس پهلوی، دولت‌های شیطان‌ی غربی با محوریت آمریکا، در ۴۶ سال گذشته، به هر

بزرگی را داده بود، اما تعداد کمی از سیاستگذاران اطراف رئیس‌جمهور احتمال می‌دادند او دست به چنین اقدامی بزند. ترامپ تأکید کرده معافیت از تحریم‌ها با هدف تشویق سوریه به عادی‌سازی روابط با (رژیم) اسرائیل انجام شده و به ضرورت اخراج شبه نظامیان خارجی، اخراج گروه‌های رادیکال فلسطینی و کمک به مهار داعش نیز اشاره کرده است.»

وی با بیان اینکه این تصمیم می‌تواند به‌معنای آغاز بازسازی جدی سوریه باشد، تصریح کرد: «لغو تحریم‌ها پیامدهای بسیار گسترده‌ای خواهد داشت؛ از جمله امکان آزادسازی دارایی‌های بین‌المللی سوریه، فرصت‌سازی برای سرمایه‌گذاری کسب‌وکارهای خارجی در بخش‌های کلیدی مانند ساخت‌وساز، انرژی و تجارت و دسترسی به سیستم‌های مالی و اعتبار جهانی.»

این پژوهشگر حوزه غرب آسیا وعده ترامپ برای لغو تحریم‌های روسیه را مصداق ضرب‌المثل «باد آورده را باد می‌برد» دانست و نوشت: «بسیاری در دولت ترامپ با این سیاست جدید مخالف هستند. مهم‌تر آنکه ترامپ دستورات اجرایی متعددی صادر می‌کند. اما در استمرار اجرایی شدن تصمیمات خود پایدار نیست. چنان‌که به‌سرعت از کارزار خود علیه

راز دشمنی و وارونه‌گویی ترامپ

اقدام ممکن دست زدند.

۵- نتیجه سیاست بحران‌آفرینی در ایران با مجموعه‌ای از اقدامات مانند: ترور، راه‌اندازی غائله تجزیه‌طلبی، طراحی کودتا، فتنه‌انگیزی و انواع و اقسام خراب‌کاری‌ها با استفاده از شبکه نفوذ و جریان ضدانقلاب از یک‌سو، و تحمیل جنگی هشت ساله، شکل‌دهی به یک ائتلاف جهانی علیه ایران و وضع تحریم‌های ظالمانه به بهانه‌های گوناگون از سوی دیگر بود که، همگی در راستای براندازی، مهار و انزوای جمهوری اسلامی انجام گرفت.

۶- اما برخلاف انتظار دشمنان، در این ۴۶ سال گذشته جمهوری اسلامی از هر تهدید و توطئه و فشاری، فرصتی ساخت و با استفاده از این فرصت‌ها، به پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در حوزه‌های گوناگون دست یافت.

گرچه به دلایلی اینک معیشت بخشی از مردم با مشکلات جدی مواجه شده، لکن ایران اسلامی در زیرساخت‌های راهبردی و همچنین دستیابی به علوم و فنون نوین، به دستاوردهای فوق‌العاده ارزشمندی دست‌یافته است. تبدیل ایران به قطب پزشکی در منطقه، ورود ایران به باشگاه‌های هسته‌ای و فضایی، برخورداری از قدرت دفاعی بازدارنده و توان زدن ضربه متقابل، روند قطع و یا کاهش وابستگی‌ها به خارج در خیلی از صنایع، نمونه‌هایی از این دستاوردهای محیر‌العقول در شرایط تهدید، تحریم و فشار حداکثری آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر است.

شکل‌گیری مقاومت در منطقه و الهام بخشی آن در سرتاسر جهان، از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به حساب می‌آید.

در یک کلام، ایران قوی و الهام بخش

با رویکردهای فضیلت‌خواهی در منطقه و جهان، اینک واقعیت خارجی پیدا کرده، و این همان چیزی است که غرب برای جلوگیری از پدیدایی‌اش، سال‌ها تلاش کرده و اکنون خود را شکست‌خورده می‌بیند. بنابراین راز دشمنی ترامپ همانند دیگر رؤسای‌جمهور ایالات متحده آمریکا، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های ملت ایران است. پیشرفت‌های آینده‌سازی که بسیاری از معادلات را تغییر خواهد داد.

ترامپ در چنین موقعیتی به‌جای پذیرش واقعیت‌ها، رویه جنگ شناختی آورده و با تحریف واقعیت‌ها، به‌دنبال فریب افکار عمومی در داخل ایران، منطقه و جهان است. او تصور می‌کند با این تصویرسازی‌های غلط و غیرواقعی از جمهوری اسلامی و رهبری حکیم انقلاب اسلامی، می‌تواند به موقعیت الهام بخش نظام اسلامی در میان ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان آسیب برساند؛ او اگر ایران را می‌شناخت، به این نوع دروغ‌گویی‌ها، کمتر متوسل می‌شد. ملت ایران، ملتی هوشمند و با بصیرت است. اما باید دانست که واقعیت‌ها و روندها در منطقه و جهان، با این نوع تحریف‌ها و وارونه‌نمایی‌ها، عوض نمی‌شود. آینده از آن اسلام و مسلمین و جبهه مقاومت و آزادی‌خواهان جهان است. هم آمریکایی‌ها و هم دولت‌هایی که در منطقه با آمریکا همراه شده‌اند و در سایه این همراهی، صهیونیست‌ها در غزه بدون هیچ خط قرمزی رویه نسل‌کشی آورده‌اند، باید بدانند که نتیجه این خباثت‌ها، شرارت‌ها و جنایت‌های بی‌شرمانه، طوفانی بزرگتر از طوفان‌الاقصی در آینده خواهد بود. طوفانی که به‌طور قطع روزی طومار ظالمین و ستمگران را به اذن الهی در هم خواهد پیچید.

وعده‌های سرخرمن!

نتیجه گرفت وعده دادن برای لغو تحریم‌ها علیه سوریه آسان، اما اجرای آن دشوار است. «مایکل روبین» پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعاتی «امریکن اینترپرایز» و مشاور پیشین وزارت دفاع آمریکا نیز در انتقاد از این اقدام ترامپ نوشت: «الشرع غیر منتخب است و هنوز ثابت نکرده که کنترل جنبش خود را دارد، چه رسد به کشور سوریه. او نهایتاً ۳۵ تا ۴۰ درصد از سوریه را تحت کنترل داشته باشد. قبایل جنوبی منطقه اطراف دیره را کنترل می‌کنند و در فاصله قابل توجهی از دمشق قرار دارند. گردها همچنان شمال و شرق سوریه را در اختیار دارند و علوی‌ها همچنان در امتداد سواحل مدیترانه حضور دارند.»

وی افزود: «ترامپ با لغو تحریم‌ها به دیگر گروه‌های تروریستی این پیام را می‌دهد که برای خروج از لیست تروریست‌ها دو راه پیش رو دارند، یا خودشان را اصلاح کنند و یا بر شدت توحش خود بیفزایند تا یک کشور را در دست بگیرند. از سوی دیگر، این اقدام ترامپ می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد «محور القاعده» از آشکارا تا دمشق و دوحه باشد که خطری برای منطقه است.»

آهاده اعتمادسازی

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در نشست مشترک با هیئت کنفرانس بین‌المللی پوگواش به‌میزبانی سازمان انرژی اتمی ایران برگزار شد، بر موضع منطقی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت بهره‌مندی ایران از حقوق قانونی کشورمان وفق معاهده منع اشاعه تأکید کرد. وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به این‌که ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و غنی‌سازی هزینه بسیار زیادی داده است، گفت: ایران برای ارتقاء دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای مصمم است و هم‌زمان آماده گفتگو و تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر طرف‌ها برای اعتمادسازی راجع به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود می‌باشد.

بیش از ۴۵۰ بازرسی

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در نشست با اعضای نهاد بین‌المللی پوگواش: سال ۲۰۲۴ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیش‌تر از ۴۵۰ بازرسی انجام داد که در حقیقت حدود ۲۵ درصد بازرسی از تأسیسات ایران بوده و این در حالی است که ظرفیت نصب‌شده ما به‌نسبت جهان سه درصد است. اسلامی با ابراز اینکه دشمنان با نگاه سیاسی به پرونده هسته‌ای ایران به‌دنبال عدم توسعه و پیشرفت ما هستند، اظهار کرد: تصویری از فناوری هسته‌ای ایران به‌ویژه غنی‌سازی ارائه می‌شود که تهران می‌تواند به‌سمت استفاده نظامی و تسلیحات اتمی حرکت کند که این نگاه غیر حرفه‌ای و سیاسی است.

غنی‌سازی خط قرمز است

«کاظم غریب‌آبادی»، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، در پاسخ به سوال یک کاربر در پلتفرم توئیتر درباره موضوع حساس غنی‌سازی و درخواست‌های مکرر مطرح‌شده از سوی ایالات متحده آمریکا مبنی بر اینکه ایران فعالیت‌های غنی‌سازی خود را متوقف کند، با قاطعیت اظهار داشت: طرف‌های مذاکره‌کننده ما به‌خوبی آگاه هستند که ایران هیچ‌گاه دستاوردهای علمی و فناوری ارزشمندی را که با خون پاک شهدا، زحمات دانشمندان و هزینه‌های بسیار سنگین به دست آمده است، به‌عنوان وجه‌المصلاحه در مذاکرات کنار نخواهد گذاشت! وی تأکید کرد: حق مسلم غنی‌سازی، خط قرمز قطعی و غیرقابل مذاکره ماست! هیچ‌گونه توقف یا تعلیقی در برنامه غنی‌سازی پذیرفته نخواهد شد.

دهه ۹۰ ضعیف‌ترین دهه سرمایه‌گذاری!



علی قاسمی

تحلیلگر ارشد اقتصادی

تحریم‌های ظالمانه، نبود ثبات اقتصادی، کرونا، کاهش سرمایه‌گذاری، رویکرد دولت وقت و نامساعد بودن فضای کسب‌وکار برای تولید سبب شده است که رشد اقتصادی کارنامه مناسبی در دهه ۹۰ نداشته باشد. علاوه بر موارد مذکور زمانی که اقتصاد دچار عدم قطعیت‌های فراوانی باشد و خانوارها نسبت به آینده انتظارات توری می‌داشته باشند، سرمایه به‌جای تجمع و تجهیز در جهت حمایت‌های مالی، صرف خرید دارایی همچون ارز و طلا می‌شود تا فرد بتواند ارزش دارایی خودش را حفظ و به‌نوعی از بلای تورم مصون نگه دارد. از آنجا که تشکیل سرمایه، موتور

رشد اقتصادی است و هر زمان که رشد تشکیل سرمایه در اقتصاد منفی شود، می‌توان پیش‌بینی کرد خودبه‌خود در سال‌های بعد رشد اقتصادی به سطح پایین یا منفی بینجامد. در صورت تداوم این وضعیت در طول چند سال نتایج این عمل، خودش را در چند عامل وضعیت معیشتی و رفاهی، کاهش سطح تجارت، ناترازی‌ها، کاهش میزان بهره‌وری و در نهایت درآمد سرانه بروز و ظهور می‌دهد. به‌طور نمونه یکی از نمودهای این‌گونه اقدامات کاهش ۳۴ درصدی درآمد سرانه در دهه ۹۰ است. بررسی درآمد سرانه در دهه ۹۰ (بر اساس آمار موجود تا سال ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که این شاخص در این سال‌ها کاهش ۳۴ درصدی را تجربه کرده است. درواقع قدرت خرید هر فرد ایرانی نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک‌سوم کاهش یافته است. طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، در صورت تحقق

رشد اقتصادی ۸ درصدی در اقتصاد، حداقل به ۶ سال زمان نیاز خواهد بود تا به سطح درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ بازگردیم. آمار دقیق، افت رفاه خانوارهای ایرانی در دهه ۹۰ را براساس درآمد سرانه نشان می‌دهد. بر این مبنا افزایش رشد جمعیت در دهه ۹۰ با بهبود تولید همراه نبوده است و این موضوع سبب شده که در این دهه درآمد سرانه در یک مسیر نزولی حرکت کند. دقیقاً همان مطلبی که مورد اشاره رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفت و ایشان تأکید کردند که ریشه وضعیت نامناسب معیشت مردم در نبود توجه به بهبود روند تولید و تصمیم‌گیری‌های غلط است. پس با این وضعیت سرمایه‌گذاری به‌دلیل آنکه برای اقتصاد ظرفیت ایجاد می‌کند، در همه اقتصادها بسیار مهم و حیاتی است. ناگفته نماند اثر سرمایه‌گذاری در اقتصادهای گوناگون متفاوت است. بعضی برای رشد اقتصاد و بزرگ شدن آن

همچنان متکی به عنصر سرمایه هستند؛ اما برخی از این مرحله عبور کرده‌اند و رشد اقتصادی آنها متکی به تکنولوژی است و به مفهوم وسیع‌تر با موتور محرک بهره‌وری رشد می‌کنند. ایران جزو کشورهایی است که از ۵۰ سال پیش به این طرف، اقتصادش با تکیه بر سرمایه‌گذاری و میزان رشد موجودی سرمایه رشد کرده است. پس به‌دلیل منفی شدن سرمایه‌گذاری، کارشناسان این دهه را بدترین دوره سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران معرفی می‌کنند که عواقب این کار الان در بعضی از ناترازی‌ها و چالش‌های اقتصادی کاملاً مبرهن است. به‌ناچار برای برون‌رفت از این وضعیت و تراز کردن بخش‌هایی از اقتصاد باید سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به انحاء گوناگون به‌سمت تولید جریان پیدا کنند.

دوئل ترامپ و نتانیاهو!



امیر حسین صامری راد

کارشناس مسائل آمریکا

اختلافات «ترامپ» و «نتانیاهو» در دور دوم ریاست‌جمهوری اوروزیه‌روز بیشتر می‌شود. ترامپ، که در ابتدای ریاستش در کاخ سفید ممنوعیت‌های صادرات تسلیحاتی که در دولت بایدن وضع شده بود را لغو کرده و سنگین‌ترین و کشنده‌ترین بمب‌ها را در اختیار نتانیاهو قرار داد، تا به‌قول خود او «کار را تمام کند»، اکنون به‌نظر می‌رسد که مسیر متفاوتی را در پیش گرفته و برنامه‌های خاصی برای آینده دارد که چندان با خواسته‌های نتانیاهو هماهنگ نیست.

اولین مسئله، بحران غزه است. ترامپ در ابتدای روی کار آمدنش وعده داده بود که با توسعه غزه، آن منطقه را به یک تفرجگاه تبدیل کند و موفق شد با فشار بر رژیم صهیونیستی، آنها را به آتش‌بس با نیروهای حماس مجاب کند. اما این آتش‌بس و در ادامه آن، جابه‌جایی اسرا چندان دوام نیاورد و امروز رژیم صهیونیستی حملات گسترده‌ای را علیه غزه آغاز کرده است. ترامپ به‌شدت با این اقدام مخالف است، زیرا می‌داند کلید پیشبرد روابط و سرمایه‌گذاری کشورهای عربی، برقراری یک آتش‌بس پایدار در غزه است. از سوی دیگر، انصارالله یمن نیز با حمله موشکی به فرودگاه «بن‌گوریون» نشان داد که تا چه میزان می‌تواند منافع

آمریکا و رژیم صهیونیستی را در خاورمیانه تهدید کند. حملات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز تأثیر چندانی بر رویکرد آنها نداشته است؛ بنابراین آمریکا را در همان آتش‌بس می‌بیند. علت دوم تشدید تنش‌ها بین ترامپ و نتانیاهو، مسئله ایران است. نتانیاهو در ماه‌های گذشته تلاش کرده بود که آمریکا را به حمله هوایی به سایت‌های اتمی و موشکی ایران ترغیب کند، اما ترامپ تاکنون با این درخواست مخالفت کرده است. نتانیاهو معتقد است، پس از شهادت سران حماس و حزب‌الله، سقوط سوریه، و البته ادعای حمله



هوایی به ایران و نابودی پدافند هوایی آن، اکنون بهترین فرصت برای بستن پرونده هسته‌ای ایران برای همیشه است. اما ترامپ تا این لحظه این مسیر را نپذیرفته است. نتانیاهو به‌شدت از این موضوع ناراحت است، به‌ویژه که چندی پیش ترامپ گفته بود هنوز تصمیم نگرفته است که آیا در توافق هسته‌ای جدید، به ایران اجازه غنی‌سازی اورانیوم داده خواهد شد یا نه.

نتانیاهو تلاش زیادی می‌کند تا با کمک لابی صهیونیستی در داخل سنا و کنگره، فشارها بر ترامپ را برای توقف مذاکرات افزایش دهد. پس

از اظهارات ترامپ، «تام کاتن» و «لیندزی گراهام» اعلام کردند که تنها توافق قابل قبول با ایران، توافقی است که به‌طور کامل جلوی غنی‌سازی اورانیوم توسط تهران را بگیرد. آنها همچنین از ترامپ خواستند که هرگونه توافق هسته‌ای با ایران را برای تصویب به سنا ارائه دهد؛ توافقی که نیازمند رأی دو سوم اعضاست.

«ایلان گلدنبرگ» که در دولت‌های «اوباما» و «بایدن» به‌عنوان مقام ارشد در حوزه خاورمیانه فعالیت می‌کرد، می‌گوید: «اگرچه دیپلماسی ترامپ با ایران و توافق آمریکا با حوثی‌ها برای نتانیاهو نامطلوب و حتی منزجرکننده است، اما نخست‌وزیر اسرائیل نه در واشنگتن و نه در داخل اسرائیل، اهم سیاسی لازم برای ورود به رویارویی مستقیم با ترامپ را ندارد؛ شخصی که در میان پایگاه حامیان نتانیاهو در اسرائیل بسیار محبوب است.»

در چنین موقعیتی، نتانیاهو تنها راه بقای خود را حفظ ائتلاف با پایگاه سیاسی حامی خود می‌بیند؛ پایگاهی که ویژگی مشترک اعضایش این است که ترامپ را بیشتر از نتانیاهو دوست دارند. به همین دلیل، نتانیاهو در ماه‌های گذشته سکوت اختیار کرده و به‌صورت علنی علیه ترامپ سخنی نگفته یا موضع‌گیری رسمی نداشته است.

این تنش‌ها بیش‌ازپیش در حال افزایش‌اند و شاید آخرین نشانه آن، حذف نام تل‌آویو از فهرست مقاصد سفر اخیر ترامپ به خاورمیانه به‌عنوان کشوری متحد و دوست باشد.



ایران در سال ۲۰۲۴ بزرگترین تأمین‌کننده نفت چین از مسیر دریا شد؛ حتی بالاتر عربستان، روسیه و عراق. اما طبق آمار مؤسسه ردیابی نفتکش‌ها کپلر، میزان صادرات نفت ایران به چین، بیش از دو برابر شرایط غیرتحریمی و برجام شده است.



«ترامپ» که به‌دلیل تروریسم خواندن مسلمانان، ورود همه مسلمانان به ایالات متحده رو ممنوع کرده، با رئیس سابق القاعده در سوریه دیدار کرد؛ این در حالی است که پیش از این ترامپ برای سر جولانی ۱۰ میلیون دلار جایزه گذاشته بود!



درحالی‌که رژیم صهیونی کودکان فلسطینی را در غزه قتل‌عام می‌کند. از ریاض تا ابوظبی، مسابقه‌ای در جریان است. نه برای پایان دادن به نسل‌کشی در غزه، بلکه برای پیشی گرفتن از یکدیگر در هزینه‌کردن برای جلب نظر ایالات متحده.



نقشه ژاپنی مربوط به سال ۱۹۴۲ رو ببینید. دو نکته جالب داره: نام «خلیج فارس» و نام «فلسطین»؛ امروزه تلاش می‌کنند واقعیت را تحریف کنند اما تاریخ، خودش حرف می‌زند. حقیقت همین است و تاریخ گواهی می‌دهد به خلیج تا ابد فارس و کشور همیشه فلسطین.



سفر «قالیاف» به اندونزی یک پیام برای ترامپ دارد! این چه ستری است که در بزم‌های قصرها شرکت می‌کنی؟! مگر تو نمی‌گفتی که همه منتظرند تا مرا ببوسند! خب اگر راست گفته بودی به یکی از خیابان‌های منطقه یا مسجد در حجاز، بیروت، جاکارتا، بغداد یا به دمشق پا می‌گذاشتی؟!!



تصویری معنادار از سخنرانی «آیت‌الله جوادی آملی» در جمع گرم و پرشور طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه نجف و در مدرسه دارالعلم آیت‌الله خویی؛ آیت‌الله جوادی آملی در این دیدار کم سابقه رهنمودهایی ارائه کردند.



مهدی نیک‌بین

کارشناس سیاسی

از دهه ۱۹۳۰ که اولین منابع نفتی در عربستان کشف شد، اقتصاد این کشور دستخوش تحولات گسترده‌ای شد؛ به‌طوری‌که درآمد‌های نفتی بی‌سابقه در دهه ۱۹۷۰ به عربستان این امکان را داد تا برخی زیرساخت‌هایی مدرن از جمله بزرگراه‌ها، برج‌ها و شهرهای هوشمند را بنا نهد که بخشی از آن طرح‌ها نیز هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند.

اما این «شبه‌توسعه» وابسته به یک منبع تجدیدنپذیر بود و پایه‌ای برای خوداتکایی و اقتصاد پایدار فراهم نکرد. مؤسسه Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW) در گزارش تحلیلی خود هشدار می‌دهد که اقتصاد عربستان همچنان وابسته به نفت است و حتی تلاش‌های موسوم به چشم‌انداز ۲۰۳۰ نتوانسته‌اند وابستگی ساختاری اقتصاد را از بین ببرند.

طبق گزارش منتشر شده از این مؤسسه، ۷۰ درصد از درآمد دولت عربستان همچنان از نفت تأمین می‌شود. حال دریک فضای رسانه‌زده و به کمک حقه‌های رسانه‌ای تلاش می‌کنند این کشور را در برابر ایران یک کشور توسعه یافته جا بزنند! این در حالی است که ایران با وجود تحریم‌های فلج‌کننده و محدودیت‌های اقتصادی، موفق شده با اتکا به اقتصاد مقاومتی، رشد صنعتی و تولید داخل، سهم نفت در بودجه را تا مقدار قابل توجهی کاهش دهد.

آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد که سهم نفت در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۳ به زیر ۱۵ درصد کاهش یافته، درحالی‌که این رقم برای عربستان همچنان بالای ۳۵ درصد است. همچنین از دیگر موارد تأثیرگذار در توان و بنیه اقتصادی تربیت نیروی انسانی جوان و متخصص است؛ اما در عربستان ما شاهد آن هستیم که باوجود بیکاری جوانان سعودی، بیش از ۸۰ درصد نیروی کار بخش خصوصی از مهاجران تشکیل شده است. این وابستگی شدید به کارگران خارجی سبب شده که انتقال مهارت، نوآوری داخلی و ارتقای بهره‌وری انسانی در داخل کشور محقق نشود.

عربستان سعودی یک پادشاهی مطلقه است که انحصار قدرت آن در دست خاندان سلطنتی متمرکز است. نبود نظام دموکراتیک و مشارکت مردمی، مانع شکل‌گیری پیشرفتی درون‌زا و پایدار شده است. همچنین نبود برخی شفافیت‌ها در عرصه اجتماع سبب اتخاذ تصمیمات کلان توسعه‌ای بدون نظارت یا ارزیابی عمومی شده است که بیشتر به پروژه‌هایی نمادین محدود می‌شوند.

توسعه‌ای که در ظاهر با برج‌های شیشه‌ای و بزرگراه‌های مدرن شناخته می‌شود، بدون نهادهای دموکراتیک، سرمایه انسانی توانمند و اقتصاد پویا تنها یک توهم توسعه است و مقایسه آن با کشوری همچون ایران که از رشد و توانمندی‌های گسترده‌ای برخوردار است و یکی از مهم‌ترین بازیگران مهم نظم نوین جهانی است بیشتر به ضرر آنها تمام می‌شود تا آنکه نوعی پیروزی تلقی شود.

اولویت‌های سیاستی در کشورها متفاوت خواهد بود، اما اقدام جهانی در زمینه تغییرات اقلیمی ضروری است. کشورهای کم‌درآمد باید سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، فیزیکی و مالی را تقویت کرده، فرصت‌های شغلی ایجاد کنند و برای کاهش فقر به‌دنبال رشد فراگیر باشند، ضمن بهبود تاب‌آوری اقلیمی خود. کشورهای با درآمد متوسط نیاز به تسریع رشد، افزایش ظرفیت تولیدی خانوارهای فقیرتر از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت‌ها، و اطمینان از کاهش شدت کربن در این رشد دارند. کشورهای پردرآمد، با بالاترین میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، باید گذار خود را به اقتصادهای کم‌کربن تسریع بخشند، پیشرفت در تمام این جبهه‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری بیشتر در داده‌های قابل اعتماد، به‌موقع و در دسترس عموم، به‌ویژه در کشورهای فقیرتر، برای بهبود طراحی و نظارت بر سیاست‌های توسعه‌ای آنهاست.

شکل ۱۸. نمودار ساختار کوربه‌رصدی در خواندن پایه چهارم (درصد) - آزمون پرتو ۲۰۲۱

در پایان، باید پذیرفت که فقر آموزشی یک بحران ملی خاموش است که آینده کشورمان را تهدید می کند. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری در آینده کشور است و هیچ اولویتی بالاتر از آن نمی‌تواند وجود داشته باشد. غفلت از این امر، هزینه‌هایی به مراتب سنگین‌تر را در دهه‌های آینده بر جامعه تحمیل خواهد کرد. زمان برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی و اقدامات قاطع، پیش از آنکه دیر شود، به سرعت در حال گذر است!

پیشخوان

افشای پروژه کرم یخی



روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت: «تیمی از دانشمندان ناسا که بهار گذشته بر فراز دایره قطب شمال پرواز می‌کردند، در حال آزمایش یک سیستم راداری جدید بر فراز شمال گرینلند، منطقه‌ای غیر عادی را شناسایی کردند. دستگاه‌های آنها نشان می‌داد که در اعماق صفحات یخی که زمین را دربر گرفته، مجموعه‌ای از پایگاه‌ها قرار دارد که با شبکه‌ای از تونل‌ها به هم متصل شده‌اند.

به نوشته این روزنامه، این پایگاه بخشی از یک طرح بلندپروازانه و مخفیانه پنتاگون، معروف به پروژه «کرم یخی» (Project Icworm)، برای ایجاد شبکه‌ای از سایت‌های پرتاب موشک‌های هسته‌ای در زیر یخ‌های قطب شمال بود. این سایت زیرزمینی که برای ذخیره ۶۰۰ موشک بالستیک میان‌برد طراحی شده بود، نشان می‌دهد که وسعت دخالت واشنگتن در گرینلند به بیش از نیم قرن بازمی‌گردد. این پایگاه که «کمپ قرن» نامیده می‌شد، در سال ۱۹۵۹ احداث شد، ولی در سال ۱۹۶۷ و پس از اینکه مشخص شد ورقه یخی برای پشتیبانی از شبکه پرتاب موشک پیشنهادی بیش از حد ناپایدار است، رها شد. این مرکز اکنون زیر حداقل ۱۰۰ فوت یخ مدفون شده است.

تجاوز سریالی پلیس به کودکان



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «در تابستان سال ۲۰۲۱، یک افسر پلیس ۲۹ ساله به اتهام تجاوز و ربودن یک نوجوان هنگام انجام وظیفه محاکمه شد. دادستان‌ها او را به نقض حقوق مدنی نوجوان متهم و استدلال کردند که او مستحق مجازات طولانی است تا بالاخره یک قاضی در سال ۲۰۲۳، او را به مدت ۱۸ سال به زندان محکوم کرد.» این روزنامه با افشای اینکه این پرونده یکی از موارد نادری است که وزارت دادگستری افسران پلیس را که از قدرت خود برای سوءاستفاده جنسی از کودکان استفاده می‌کردند، تحت پیگرد قضایی قرار داده‌اند، نوشت: «اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا درباره حمایت از پلیس نشان می‌دهد که در سال‌های آینده بعید است که چنین پرونده‌هایی مورد بررسی قرار گیرند.» واشنگتن پست نوشت: «آمارها حاکی از آن است که از زمان روی کار آمدن ترامپ هیچ پرونده جدیدی علیه افسران محلی که متهم به سوءاستفاده جنسی از کودکان هستند، تشکیل نشده است. این در حالی است که تحقیقات نشان داده از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۲۰، حداقل ۱۲۰۰ افسر با چنین اتهاماتی مواجه شده‌اند و ۴۰ درصد این افراد حتی به زندان محکوم نشدند. چنین پرونده‌هایی به‌دلیل فقدان شهادت یا فیلم دوربین لباس مأموران کمتر از پرونده‌های خشونت پلیس مورد توجه و رسیدگی قرار می‌گیرند.»



وزارت خارجه هم در کنار پاسخگویی به سخنان رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد، سخنانی از این دست و در کنار آن تحریم‌های آمریکا که همزمان صورت می‌گیرد جز بلند کردن دیوار بی‌اعتمادی کشورمان نسبت به آمریکا ثمر دیگری نخواهد داشت اخیراً هم رسانه‌های نزدیک به کاخ سفید و سپس خود ترامپ مدعی شده‌اند که طرح پیشنهادی خود را به ایران داده‌اند که این موضوع از سوی وزیر خارجه کشورمان تکذیب شد، البته این ادعاها از سوی آمریکایی‌ها بی‌سابقه نیست چند ماه قبل هم بعد از اینکه ترامپ مدعی شد نامه‌ای برای ایران ارسال کرده است، زمانی‌که مسئولان کشورمان این موضوع را تکذیب کردند ترامپ گفت، نامه را به زودی ارسال می‌کند. همچنین ممکن است پیشنهادات ترامپ هم هنوز مکتوب نشده باشد. به‌نظر می‌رسد دولت آمریکا مشغول جمع‌بندی پیشنهادات ایران است تا پاسخ این پیشنهادات را بدهد و این اتفاق ممکن است در مذاکرات دور پنجم رخ دهد.

پنجره

نتیجه عکس!

نقدی بر سیاست خارجی دولت دوم ترامپ

آمریکا بر کشورهای کوچک‌تر، مهار چین و توافق کشتار اوکراین، می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد. سی‌ان‌ان افزود: «شلوغی دیپلماتیک به خودی خود به‌معنای پیشرفت نیست. بسیاری از مذاکرات، ازجمله درباره جنگ تعرفه‌های ترامپ علیه چین، با هدف کاهش تنش‌هایی انجام شود که خود رئیس‌جمهور مسبب ایجاد آن بوده است. رویکرد متزلزل و نامتعارف ترامپ می‌تواند هر مذاکره‌ای را در هر لحظه نابود کند. رئیس‌جمهوری آمریکا با تصمیمات خود در بازارهای جهانی قمار می‌کند و از این‌رو با پس‌انداز بازتنش‌نگی میلیون‌ها شهروند آمریکایی بازی می‌کند. این تردید و بلاتکلیفی احتمال بروز رکود اقتصادی را تقویت می‌کند.» این رسانه آمریکایی تصریح کرد: «با گذشت بیش از سه ماه از دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، شواهد نشان می‌دهد که سیاست خارجی معاملاتی ترامپ بیشتر از منافع کشور، با انگیزه منافع شخصی است. خصوصت ترامپ با متحدان آمریکا مخرب بوده است. رویکرد ترامپ به تعمیق اختلافات ترانس آتلانتیک منجر شده و رهبران اروپا در حال بازنگری راهبردهای امنیتی خود هستند.»

تارنمای شبکه خبری «سی‌ان‌ان» نوشت: ««دونالد ترامپ» مدعی است که سیاست خارجی‌اش موفقیت‌آمیز بوده است. اما وی بسا آزرده کردن متحدان و تقویت دشمنانش، خطر می‌کند. تیم ترامپ مجموعه مذاکرات گسترده و همزمانی را در سطح بالای دیپلماتیک آغاز کرده که در سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده است.» به نوشته این رسانه آمریکایی، تعامل دولت ترامپ در جبهه‌های گوناگون همچنین با یک طنز سیاسی همراه بوده است. ترامپ با شعار «اول آمریکا» انتخاب شد تا قیمت‌ها را کاهش دهد و مشکلات مرز جنوبی را حل کند. اما او در حال رسیدگی به اختلافات مرزی دیگر کشورهاست. مذاکراتی که بسیاری از مسائل جهان را دربر می‌گیرد، بازتاب تحمیل دیدگاه‌ها و اختیارات دولت ترامپ در سراسر جهان و تلاش وی برای اضمحلال نظام‌های سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیکی است که چندین دهه قدمت دارند. سیاست‌های رئیس‌جمهوری آمریکا با مخاطرات قابل توجهی مواجه است، زیرا طرح‌های یکجانبه‌گر ایانه و غیر متعارف او برای تغییر در تجارت جهانی، تحمیل قدرت

اهرم فشار

کشورهای انگلیس، فرانسه، دانمارک، یونان و اسلونی در بیانیه مشترک که توسط «باربارا وودوارد» سفیر و نماینده دائم انگلیس در سازمان ملل قرائت کرد، اعلام کردند: «اکنون بیش از ۲ ماه است که اسرائیل ورود کمک به غزه را کاملاً مسدود کرده است. جلوگیری از کمک به منزله یک «اهرم فشار» غیرقابل قبول است.» این بیانیه افزود: «ما عمیقاً نگران پیشنهادهای (آمریکا و اسرائیل) برای ایجاد یک سازکار جدید برای ارسال کمک به غزه هستیم این سازکار جدید با اصول انسان‌دوستانه تطابق ندارد. قوانین بین‌المللی ایجاب می‌کند که اسرائیل انتقال امن، سریع و بدون قید کمک‌های بشردوستانه را تسهیل کند.»



دور پنجم مذاکرات چگونه خواهد بود؟

رضا صاری

کارشناس روابط بین‌الملل



دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه در شهر مسقط برگزار شد. حداثه بین دوره سوم و چهارم تغییری در دولت «ترامپ» رخ داد و «مایکل والتز» مشاور امنیت ملی ترامپ و معاونش از کار برکنار شدند. دلایل متعددی برای این موضوع بیان شده است که مهم‌ترین آن انتشار اقدامات دولت در جنگ با انصارالله در شبکه اجتماعی «سیگنال» که طبقه‌بندی محرمانه داشته است و در کنار آن گفته می‌شود دلیل دیگر این برکناری برگزاری جلساتی بین «التز» و «نتانیاهو» برای اقدام نظامی علیه ایران بدون اطلاع ترامپ بوده است. به هر حال «مارکو رویو» با حفظ سمت وظایف والتز را هم به‌عهده گرفته و استیو ویتکاف به‌صورت رسمی

تحلیل

سلاح چینی!

خط و نشان شرقی‌ها برای فناوری‌های غربی

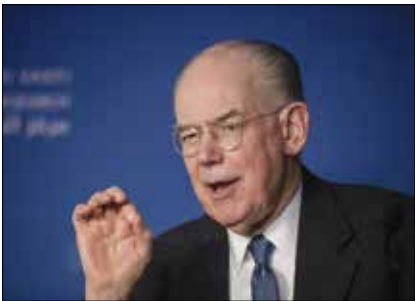
پاکستان برای تقویت بنیه نظامی و دفاعی خود به چین متکی بوده است. شواهد و مدارک از جنگ دو روزه اخیر میان هند و پاکستان نشان می‌دهد که هند با وجود برتری در شماره و بهره‌مندی از تجهیزات پیشرفته غربی، ضربات قابل توجهی از ارتش پاکستان با تجهیزات چینی دریافت کرده است. این نبرد، همچنین افسانه تسلیحات پیشرفته غربی را در هم فرو ریخت و نشان داد که تجهیزات نظامی شرق چگونه می‌توانند در یک نبرد تمام‌عیار دست برتر را داشته باشند و به رقیبی سرسخت برای کمپانی‌های تسلیحاتی آمریکا و اروپا و نیز روسیه تبدیل شوند. این درگیری و ابعاد آن همچنان می‌تواند یک شوک راهبردی، به‌ویژه برای کشورهای اروپایی باشد که در صورت فروپاشی ائتلاف ناتو و در غیاب ایالات متحده بسیار ضعیف‌تر از چیزی هستند که قبلاً تصور می‌شد. بی‌اعتمادی به تسلیحات و تجهیزات غربی همچنین می‌تواند یک پیامد دیگر جنگ هند و پاکستان و از سوی دیگر افزایش کنش به تسلیحات ساخت چینی باشد.

درگیری اخیر میان هند و پاکستان، یکی از شدیدترین تنش‌های این دو قدرت هسته‌ای در سال‌های اخیر بود و اگر چه دو طرف به یک توافق آتش‌بس فوری دست یافته‌اند، اما این آتش‌بس به‌دلیل پابرجایی ریشه‌های بحران میان دو طرف، شکننده باقی خواهد ماند. استفاده هم‌زمان از تسلیحات شرقی و غربی از جانب هر دو طرف، این نبرد را به عرصه‌ای برای آزمایش تسلیحاتی تبدیل کرد؛ تسلیحاتی که شاید سازندگان‌شان منتظر بودند عملکرد آنها را در یک میدان نبرد واقعی مورد امتحان قرار دهند.

به نوشته شبکه «ای‌بی‌سی نیوز» هند و پاکستان از زمان رویارویی نظامی این دو همسایه حاضر در جنوب آسیا در سال ۲۰۱۹، قابلیت‌های نظامی خود را به‌طور قابل توجهی ارتقا داده‌اند و هر دو طرف هواپیماها، موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته‌تری به‌دست آورده‌اند. از آن زمان، هند به‌طور مدام در حال تقویت زرادخانه تسلیحاتی خود با کمک کشورهای غربی است. در مقابل، ارتش

صاحب دولت ترامپ

«جان مرشایمر» متفکر برجسته روابط بین‌الملل، تصریح کرد: «اسرائیل صاحب دولت ترامپ است. ترامپ هیچ کاری برای به چالش کشیدن (رژیم) اسرائیل نخواهد کرد و پس از ورود به کاخ سفید، حتی بیشتر از «جو بایدن» به اسرائیلی‌ها برای نسل‌کشی فلسطینیان کمک کرد.» او با اشاره به تنش آفرینی‌های رژیم صهیونیستی علیه ایران افزود: «آمریکا خواستار جنگ با ایران نیست. اهمیتی ندارد چه کسی در کاخ سفید باشد، اسرائیل فقط در سال ۲۰۲۴، دو مرتبه تلاش کرد تا آمریکا را به تله جنگ با ایران وارد کند. اکنون نیز آنها به‌دنبال همین هستند. اما تلاش‌های آنها مشابه گذشته شکست خواهد خورد.



یادداشت

حکمرانی جایگزین حکمفرمایی



حمید حسینی
عضو اتاق بازرگانی

در گام اول برای اصلاح بسیاری از مشکلات اقتصادی موجود در کشور، سیاست‌گذاران ما باید بپذیرند که به‌جای حکفرمایی باید حکمرانی کنند. یعنی باید به‌دنبال اصلاح فضای اقتصادی کشور باشند. اینکه شما در اقتصادتان یک روز با پدیده کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، یک روز با پدیده کارت‌های بانکی اجاره‌ای و یک روز حتی با پدیده کارت ملی اجاره‌ای و... سر و کار دارید، نشان‌دهنده ایراد در نظام حکمرانی ماست.

به هر حال زمانی که موقعیت اقتصادی مناسب نیست، ممکن است بعضی از افراد جامعه به هر وسیله‌ای برای کسب درآمد چنگ بزنند. یکبار با اجاره دادن کارت و حساب بانکی، یکبار با دریافت کارت بازرگانی و اجاره آن. به هر حال این اتفاقات در کشور وجود دارد و همیشه هم نظام حکمرانی ما نسبت به این موضوعات عقب بوده است. یعنی تا بخواهد این پدیده‌ها را شناسایی کرده و با آنها مقابله کند، کار از کار گذشته است. یا نسبت به اتفاقات عقب مانده و یا بعضی‌ها به دلیل منافی که وجود دارد، اجازه برخی از اقدامات یا اصلاحات را نمی‌دهند. برای نمونه حدود یک‌سالگی بود که تصمیم گرفته شده بود سقف صادرات و واردات کارت‌های بازرگانی که جدید صادر می‌شود، محدود شود تا مطمئن شویم که اینها واقعا در این فضا فعالیت می‌کنند و قصد دارند ارز حاصل از صادرات خود را برگردانند. اما با اینکه دستورات لازم داده شده بود و موضوع ابلاغ هم شده بود. اما هیچ سامانه‌ای برای رصد این موضوع وجود نداشت، یعنی اگر چه چند ماهی این موضوع مطرح و عملیاتی شد و این امکان تا حدودی فراهم شد که افراد بررسی و رصد شوند. اما از آن طرف شاهد بودیم که سیل صدور کارت‌های بازرگانی جدید شروع شد، به‌نحوی که آماری بود که ۲۰ هزار کارت بازرگانی جدید صادر شده که طبیعتاً این رقم عدد بسیار بالایی است.

بنابراین به‌نظر می‌رسد اصل مشکل، نظام حکمرانی ماست. البته بعد از این مسئله، به هر حال افرادی نیز در اقتصاد ما حضور دارند که به‌دنبال سوءاستفاده هستند. برای نمونه برای طرح زوج و فرد خودرو، اکثریت حدود ۹۰ درصدی مردم این موضوع را رعایت می‌کنند. اما ۱۰ درصد هم رعایت نمی‌کنند. از طرفی متأسفانه چون در کشور ما سیستم‌های نظارتی ساده اما برخی از افراد پیچیده هستند، این چالش‌ها و بی‌قانونی‌ها نیز ایجاد می‌شود. در اروپا و کشورهای توسعه‌یافته سیستم‌های نظارتی پیچیده و سخت هستند و چون مردم نمی‌توانند این سیستم پیچیده را دور بزنند، مجبور هستند تن به قانون دهند. یعنی این طور نیست که در این کشورها مردم به‌خودی خود قانون‌مدار باشند، بلکه این قدر سیستم‌های نرم‌افزاری و کنترلی محکم و دقیقی وجود دارد که هر خطایی را شناسایی می‌کند. بنابراین مردم مجبورند درست حرکت کنند. اما ما در سیستم‌ها در بحث‌های سامانه‌ای یک سامانه بازی‌هایی راه انداخته‌ایم که خودش ایجاد مشکل کرده است.

میثم مهرپور

کارشناس اقتصادی



یکسال از شهادت رئیس‌جمهور سیزدهم و همراهان وی در سانحه هوایی می‌گذرد. بررسی عملکرد دولت سیزدهم به‌خصوص در حوزه اقتصاد ثابت می‌کند، این دولت در طول قریب به ۳ سال از فعالیت خود منشأ خدمات و اقدامات ارزشمندی بوده است. خدماتی که رهبر معظم انقلاب چه در زمان استقرار این دولت و چه بعد از شهادت رئیس‌جمهور بارها به آن اشاره داشتند. برای نمونه، معظم‌له در شهریورماه سال ۱۴۰۲ در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ضمن تقدیر از اقدامات دولت سیزدهم اظهار داشتند: «طبیعت بعضی از دولت‌ها این است که فردا را قربان امروز می‌کنند؛ این دولت این کار را نکرده؛ کارهای بزرگ و زیربنایی را انجام داده که اثرش ممکن است امروز به‌طور کامل ظاهر نشود، اما بالاخره ظاهر خواهد شد.» ایشان در اولین دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای دولت چهاردهم، ضمن بیان نکات مهمی به دولت جدید، همچون رعایت اولویت‌های فوری از جمله تورم و گرانی، چگونگی انتخاب مدیران و همکاران، حضور در میان متن مردم و توجه به تولید به‌منزله کلید حل مشکلات اقتصادی، به اقدامات شهید رئیسی در ۳ سال ریاست‌جمهوری اشاره کرده و عملکرد ۳ساله دولت سیزدهم و شهید رئیسی را با دوره خدمت امیرکبیر قیاس کردند و افزودند: «همچنانکه امیرکبیر در مدت ۳ سال کارهای بزرگی انجام داد و رئیسی عزیز هم در حدود ۳ سال خدمت برخی پایه‌گذاری‌های خوبی انجام داد که ان‌شاءالله ثمره آن به کشور خواهد رسید.» تأکید رهبر معظم انقلاب بر خدمات و اقدامات ساختاری در دولت شهید رئیسی سبب شد تا برخی از اقدامات دولت سیزدهم در حوزه سیاست‌های اقتصادی و تغییرات رخ داده طی حدود ۳ سال از استقرار دولت سیزدهم را مورد بررسی قرار دهیم.

شرایط آغاز به کار دولت سیزدهم

دولت سیزدهم در حالی فعالیت خود را آغاز کرد که تقریباً تمام شاخص‌های اقتصادی کشور در تابستان ۱۴۰۰ در موقعیت نامناسبی قرار داشت. میزان تورم، وضعیت رشد اقتصادی، میزان رشد نقدینگی و پایه پولی، وضعیت سرمایه‌گذاری و... همه نشان‌دهنده شرایط نابسامانی بود که کار را برای دولت جدید سخت می‌کرد. ثبت بالاترین تورم در دهه‌های اخیر، کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، میانگین رشد اقتصادی نزدیک به صفر، منفی بودن میزان رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، ثبت بالاترین رشد پایه پولی و نقدینگی، رکود در مشاغل و کسب‌وکارها به‌علت شیوع کرونا

و... از جمله بارزترین نمایه‌های اقتصادی ایران در آغاز به‌کار دولت سیزدهم بود. دولت شهید رئیسی در عمر کمتر از سه ساله خود توانست با اتخاذ رویکردهای کارشناسی، ریل اقتصادی کشور را به مسیر درست خود بازگرداند.

خداحافظی با رشدهای منفی

براساس گزارش بانک مرکزی، متوسط رشد اقتصادی فصلی دولت‌های یازدهم و دوازدهم معادل ۷/۵ درصد بوده است؛ اما این عدد در ۱۰ فصل عملکرد دولت سیزدهم به ۴/۵ درصد رسیده است. بر این اساس، متوسط رشد اقتصادی در دولت سیزدهم بیش از ۳ برابر رشد اقتصادی در ۸ سال دولت حسن روحانی بوده است. این در حالی است که از ۳۲ فصل عمر دولت روحانی (۸ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم) رشد اقتصادی کشور در ۱۲ فصل آن (سه سال) منفی شده بود! درحالی که در عمر سه ساله دولت سیزدهم همواره رشد اقتصادی کشور مثبت بوده و هیچ‌گاه در این سه سال رشد اقتصادی کشور منفی نشد.

احیای بیش از ۸۰۰۰ کارخانه

طرحی در دولت سیزدهم با عنوان (نهضت احیا) آغاز شد که بر اساس آن کارخانه‌های راکد و غیرفعال شناسایی و با اولویت قرار دادن مشکلات آن کارخانه‌ها سعی بر احیا و آغاز به‌کار آن کارخانه‌ها می‌شد. براین اساس ۸۴۰۰ واحد تولیدی راکد و نیمه تعطیل از ابتدای دولت سیزدهم احیا شد که البته احیا و فعال‌سازی تعداد دیگری کارخانه در قالب نهضت احیا همچنان ادامه دارد. احیا و آغاز به‌کار واحدهای تولیدی راکد و غیرفعال را باید یکی از اقدامات ارزشمند دولت سیزدهم دانست که همین اقدام را نیز می‌توان یکی از عوامل اصلی تحقق وعده دولت در ایجاد یک میلیون شغل در سال و کاهش میزان بیکاری به پایین‌ترین رقم پس از انقلاب دانست. به‌نحوی که در دولت شهید رئیسی، بسیاری از واحدهای صنعتی و تولیدی راکد و در



آستانه ورشکستگی احیا شدند. واحدهای صنعتی که هیچ امیدی به برگشت آن‌ها به چرخه اقتصادی نبود، با حمایت‌هایی که شهید جمهور انجام داد، توانستند چراغ کارخانه‌های خود را روشن کنند. رویکرد حمایتی و پشتیبانی که شهید رئیسی داشت، سبب شد که تولیدکنندگان دوباره به سیاست‌های دولت خوشبین شوند. براساس گزارش ستاد احیای واحدهای تولیدی و صنعتی راکد، در حدود هزار روز خدمات دولت مردمی بیش از ۸ هزار واحد تعطیل و راکد در سراسر کشور به مدار فعالیت و تولید بازگشتند که سبب احیای بیش از ۱۴۵ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم و ۱۸۲ هزار میلیارد تومان سرمایه مردمی در بنگاه‌ها شد.

افزایش درآمد سرانه

براساس آمار بانک مرکزی، در ۸ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم، درآمد خالص ملی سرانه (سهام هر ایرانی از تولید ناخالص داخلی) افت فاحشی داشت؛ اما در ۲ سال نخست دولت سیزدهم بخشی از این افت جبران شد. درحالی که در سال پایانی عملکرد دولت دهم (سال ۱۳۹۱) درآمد خالص ملی سرانه در ایران به ۱۷/۲ میلیون تومان (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵) رسیده بود، درآمد ملی در دولت روحانی روند کاهشی به خود گرفت. به‌نحوی که حتی بعد از سال ۱۳۹۴ و در اوج سال‌های اجرای برنامه نیز درآمد خالص ملی سرانه به سطح پایان دولت دهم نرسید. بر این اساس، در سال پایانی عملکرد دولت دوازدهم (سال ۱۳۹۹) درآمد خالص ملی سرانه در ایران به ۱۲ میلیون تومان (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵) سقوط کرد. از سال ۱۴۰۰ و با روی کار آمدن دولت شهیدرئیس، وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی به‌تدریج بهبود پیدا کرد به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۰ درآمد خالص ملی سرانه با ۱۱/۳ درصد افزایش به ۱۳/۳ میلیون تومان رسید و در سال ۱۴۰۱ هم مجدداً روند افزایشی خود را حفظ کرد و به ۱۳/۷ میلیون تومان بهبود یافت. به این ترتیب در دو سال

نخست فعالیت دولت سیزدهم درآمد خالص ملی سرانه در کشور نزدیک به ۱۴ درصد بهبود پیدا کرد و درآمد خالص ملی سرانه هر ایرانی نسبت به پایان دولت روحانی ۱/۷ میلیون تومان افزایش یافت.

رکوردزنی در میزان جذب سرمایه خارجی

براساس آمار سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، دولت سیزدهم رکورددار جذب سرمایه‌گذاری خارجی مصوب معتبر است. در ۳ سال دولت سیزدهم مجموعاً ۱۱/۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مصوب معتبر انجام شد. درحالی که در ۸ سال دولت گذشته این رقم فقط ۹/۷ میلیارد دلار بوده است، در واقع این رقم در ۳ سال دولت سیزدهم از مجموع دولت‌های یازدهم و دوازدهم بیشتر بوده است. طبق آمار رسمی «سازمان آنکتاد» در ۳ سال پایانی دولت دوازدهم، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی بود. اما در سال ۱۴۰۰ با تغییر دولت، بدون اینکه هیچ اتفاق خاصی در عرصه بین‌المللی یا موضع تحریم‌ها و... رخ دهد شاهد مثبت شدن سرمایه‌گذاری خارجی بودیم. در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور به ترتیب ۵۳، ۳۶ و ۱۱ درصد کاهش یافته بود. اما در سال ۱۴۰۰ مجدداً روند رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مثبت شد و افزایش ۶ درصدی را ثبت کرد.

تحول در اشتغالزایی

در بین همه دولت‌های پس از انقلاب، اشتغالزایی با نام دولت شهید رئیسی گره خورده است. بازار کار در دولت سیزدهم، یکی از طلایی‌ترین دوران خود را سپری کرد، به‌نحوی که در سال ۱۴۰۲ میزان بیکاری به کف چند دهه اخیر رسید و در کانال ۸ درصد قرار گرفت. این درحالی است که میزان مشارکت اقتصادی نیز با رشد مواجه شد و از مرز ۴۱ درصد عبور کرد، در واقع این کاهش میزان بیکاری کاهش میزان مشارکت نبود، بلکه میزان بیکاری کاهش اما میزان مشارکت افزایش یافته بود که نشان‌دهنده ایجاد مشاغل جدید است. در واقع در سال ۱۴۰۲ با اضافه شدن ۷۷۴ هزار شاغل، مجموع شاغلان کشور برای نخستین بار پس از دوران کرونا به مرز ۲۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسید. رشد میزان مشارکت اقتصادی، افزایش اشتغال و کاهش میزان بیکاری به‌صورت هم‌زمان از بهبود بازار کار در این سال حکایت دارد. برای نمونه یکی از شاخص‌های مهم اشتغال که اشتغالزایی در دولت سیزدهم را تأیید می‌کنند، تعداد بیمه‌شدگان اجباری جدید تأمین اجتماعی است. در ۸ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم مجموعاً یک میلیون و ۲۷۳ هزار بیمه شده اجباری (شاغل جدید) به تعداد بیمه‌شدگان اجباری سازمان تأمین اجتماعی اضافه شدند که میانگین سالانه آن ۱۵۹ هزار و ۱۲۵ نفر می‌شود. این در حالی است که در ۳ سال دولت سیزدهم مجموعاً حدود یک میلیون و ۳۶۰ هزار بیمه شده اجباری جدید ثبت شد که میانگین سالانه آن ۴۵۴ هزار نفر می‌شود که تقریباً ۳ برابر عملکرد دولت روحانی است.

افزوده

تورم تقاضاکش!

تورم تقاضاکش زمانی رخ می‌دهد که تقاضای کل برای کالاها و خدمات در اقتصاد از عرضه پیشی بگیرد. این عدم تعادل سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود، زیرا مصرف‌کنندگان برای منابع محدود رقابت می‌کنند. عواملی مانند افزایش درآمد، سیاست‌های پولی انبساطی یا رشد صادرات می‌توانند تقاضا را تقویت کنند. بانک مرکزی ممکن است با افزایش میزان بهره یا کاهش نقدینگی، تورم را مهار کنند. این پدیده در اقتصادهای در حال رشد شایع است. اما اگر کنترل نشود، می‌تواند به کاهش قدرت خرید و بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود، که مدیریت آن نیازمند تعادل بین رشد اقتصادی و کنترل قیمت‌هاست.



شاخص

اخراج ۶۰۰۰ نفر

شرکت «مایکروسافت» اعلام کرده است که فرآیند اخراج حدود ۳ درصد از مجموع نیروی کار خود معادل تقریباً ۶ هزار نفر را آغاز کرده است. سخنگوی این شرکت در بیانیه‌ای که به‌صورت ایمیل برای نشریه «هیل» ارسال شد، گفت: «ما همچنان در حال اجرای تغییرات سازمانی لازم هستیم تا شرکت را در جایگاه مناسبی برای موفقیت در یک بازار پویای جهانی قرار دهیم. براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی مایکروسافت، این شرکت که دفتر مرکزی آن در ایالت واشنگتن قرار دارد، در مجموع دارای ۲۲۸ هزار کارمند در سراسر جهان است که حدود ۱۲۶ هزار نفر از آنها در آمریکا مشغول به کارند.»



منهای نفت

صادرات لوازم خانگی

صادرات احاق گاز، یکی از حوزه‌های مهم در صادرات غیرنفتی ایران، نقش بسزایی در ارزآوری و تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور دارد. این صنعت با تولید محصولات باکیفیت و رقابتی، بازارهایی در خاورمیانه، آسیای میانه و آفریقا را هدف قرار داده است. ارزآوری حاصل از صادرات احاق گاز، به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی کمک کرده است و ثبات اقتصادی را تقویت می‌کند. همچنین، این بخش با ایجاد اشتغال و توسعه صنایع مرتبط، به رشد اقتصادی مناطق گوناگون کشور یاری می‌رساند. تقویت زیرساخت‌های تولید و بازاریابی بین‌المللی می‌تواند این صنعت را به یکی از ستون‌های اصلی صادرات غیرنفتی تبدیل کند.



گناه دعا را حبس می‌کند

گفتاری از **حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین رخشاد**

«اربعین» عددی است با بار معنایی خاص در فرهنگ اسلامی و عرفانی ما، این عدد یادآور چله‌نشینی حضرت موسی کلیم الله(ع) است که پس از چهل شبانه روز مناجات و خلوت با خداوند به دیدار بی‌حجاب با پروردگار نائل شد. از این روست که اهل معرفت و عرفان به این عدد اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و «استاد سعادت‌پرو» همواره سفارش می‌کردند، در این ایام مراقبت بیشتری در یاد خدا داشته باشیم و از آنچه سبب غفلت می‌شود، دوری‌گزینیم.

«دلا غافل از سبیحانی چه حاصل اسیر نفس و شیطانی چه حاصل بود قدر تو افزون از ملاتک تو قدر خود نمی‌دانی چه حاصل»

عدد اربعین در ادعیه، نماز و بسیاری از آداب دینی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال در قرآن کریم سن چهل سالگی را نقطه‌ای کلیدی در زندگی انسان معرفی می‌کند: «إِذَا بَلَغَ اُنْسُكَ وَتَبَلَغَ اَرْبَعِینَ سَنَةً» زمانی‌که به کمال قدرت خود رسید



آیه

سرّی که مبارزان راه حق از آن آگاهند

یاری می‌تواند به شکل‌های گوناگون باشد؛ فرستادن فرشتگان، الهام به دل مؤمن، ترس انداختن در دل دشمن، نزول سکنیه و آرامش، یا حتی گشودن درهایی از پیروزی که هیچ چشم امیدیه به آنها نبوده است. در قرآن کریم نمونه‌های متعددی از امدادهای غیبی آمده است. یکی از برجسته‌ترین آنها، ماجرای «جنگ بدر» است. در این نبرد که در آغازین سال‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی رخ داد، مسلمانان از نظر تعداد، تجهیزات، تجربه و آمادگی نظامی بسیار کمتر از مشرکان قریش بودند. اما وعده الهی بر یاری بندگان صالح خود محقق شد. خداوند در «سوره آل‌عمران آیه ۱۲۳» در مورد کمک هزاران فرشته به مسلمانان در جنگ می‌فرماید. یعنی در موقعیتی که اسباب ظاهری یاری به هیچ‌وجه فراهم نبوده است، تنها با صبر، تقوا، اعتماد به وعده خدا، فرشتگان به یاری مؤمنان فرود آمده‌اند و این همان حقیقت امداد غیبی است. نمونه‌ای دیگر از امداد غیبی، در ماجرای حضرت موسی(ع) و بنی‌اسرائیل هنگام فرار از فرعونیان است. خداوند در «سوره شعراء آیه ۶۱» از کمک به حضرت موسی(ع) و بنی‌اسرائیل می‌گوید. وقتی که همگی دیدند راه بسته است، گفتند ما گرفتار فرعونیان می‌شویم. اما حضرت موسی(ع) فرمود: «خداوند با ماست و ما را نجات می‌دهد.» این معجزه، جلوه‌ای روشن از امداد غیبی خداوند بود که به نصرت بندگان مؤمن خویش شتافت. نمونه

دیگر در «سوره بقره آیه ۲۴۹» که به ماجرای طالوت و جالوت اشاره دارد. خداوند در آنجا می‌فرماید: «...کَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ پس شرط تحقق امداد غیبی، صبر و توکل و اعتماد به خداست، نه زیادت جمعیت یا امکانات. امداد غیبی همیشه به پیروزی و موفقیت‌های ظاهری دنیایی نیست، چه آنکه امام حسین(ع) در روز عاشورا با آنکه با تعداد اندکی از یاران وفادار خود در برابر لشکری عظیم ایستاد، اما امدادهای غیبی خداوند در قالب تقویت روحی یاران و حفظ عظمت و حقیقت اسلام متجلی شد. یعنی آن ایستادگی و شهادت، با وجود ظاهر شکست، در حقیقت پیروزی بزرگی بود که از ناحیه خداوند حاصل شد و اثر آن تا ابد باقی ماند. همچنین در دعای معروف جوشن کبیر، خدا را با صفاتی چون «یا ناصر من لا ناصر له»، «یا مغیث من لا مغیث له»، «یا سند من لا سند له» می‌خوانیم، که همگی ناظر بر امداد غیبی خداوند است. گاه در تنهایی مطلق و انقطاع از اسباب دنیوی، انسان درمی‌یابد که تنها خداست که می‌تواند یار و پشتیبان حقیقی باشد. امداد غیبی همچنین در قالب الهامات قلبی، گشایش‌های فکری، آرامش روحی در بحران‌ها، یا حتی ایجاد ترس در دل دشمنان نمود پیدا می‌کند. خداوند در «سوره انفال آیه ۱۲» می‌فرماید: «سَأَلْتُ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ؛ مؤمنان را ثابت‌قدم دارید، به‌زودی در دل

می‌کند هنگامی که خود را بی‌نیاز ببیند.» آیت‌الله بهجت(ره) می‌فرمودند: «منظور از بی‌نیازی فقط در مال نیست، بلکه احساس بی‌نیازی از دیگران است. وقتی انسان پُست و مقامی دارد و دیگران به او محتاج‌اند.» وقتی به سرافتی که زمانت همه بگذشت، افسوس می‌خوری که این عمر گران‌مایه بگذشت. پس باید تا فرصت باقی است به خود آیم. حضرت امیر(ع) چه دل‌سوزانه می‌فرماید: سعی کنید: «الْأَبْدَانُ ضَجِيجَةٌ وَالْأَلْسُنُ نَاطِقَةٌ» تا وقتی که بدن‌های‌تان سالم است و زبان‌های‌تان گویاست و المجال فصیح و میدان عمل برای‌تان گسترده است «الْأَعْمَالُ مَقْبُولَةٌ وَ التَّوْبَةُ مَسْمُوعَةٌ» و اعمال‌تان پذیرفته و توبه‌تان شنیده می‌شود، کوشش کنید و مباردت ورزید. مرحوم آیت‌الله بهجت(ره) می‌فرمودند: «عدد چهل در یکی از شرایط استجابت دعا، مؤثر است. دعا شرایطی دارد که از جمله آن، توبه است: «دعاء الثائب مُسْتَجَاب» زبان آلوده به گناه گاهی دعایش بالا نمی‌رود. در دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدَّعَاءَ» خدایا گناهایی که دعای مرا حبس می‌کند و بالا نمی‌گذارد، بپامز.»



آیه

سرّی که مبارزان راه حق از آن آگاهند

کافران ترس می‌اندازم.» آنچه که باید دقت کنیم این است که امداد غیبی تنها یک اتفاق خاص و عجیب نیست. تمام زندگی ما با کمک‌های خداوند در حال سپری است و نمی‌توانیم بگویم خداوند فقط در مواقعی خاص به بندگان خود کمک می‌کند. گاه در میدان ایمان، در هنگام تصمیم‌گیری‌های دشوار، در تحمل فشارهای روانی و اجتماعی، در صیانت از دین و در سستی‌های زمان فتنه رخ می‌دهد. مؤمنانی که در چنین زمان‌هایی به خدا پناه می‌برند، یاری‌هایی را تجربه می‌کنند که عقل عادی از درک آن عاجز است. انقلاب اسلامی نمونه بارزی است برای امدادهای غیبی خداوند که هر لحظه وجود داشته و دارد. منتهی امداد غیبی مانند شن‌های طبس به چشم دیده شد و بقیه مخفی از انتظار است یا به چشم دل باید آن را دید. با نگاهی به تاریخ معاصر نیز، مؤمنان متعهد و مبارزانی که در راه حق ایستاده‌اند، بارها امدادهای غیبی را تجربه کرده‌اند. در دفاع مقدس ملت ایران، در مقاومت مردم فلسطین و لبنان و در بسیاری از عرصه‌های مبارزه با ظلم، بارها گزارش‌هایی شنیده شده است از خرددهایی که تنها با تحلیل مادی قابل تبیین نیست. گاه خیمه‌های عمل نمی‌کند، گاه دشمن از ترس پا به فرار می‌گذارد، گاه مجاهدی با آرامش عجیبی از میان باران گلوله‌ها عبور می‌کند و... در کل زندگی مؤمنان و معتقدان مملو از امدادهای غیبی خداوند است که باید قدردان آن باشند.

تاریخ نگار

ستون توبه

ابولبابه از صحابه رسول خدا(ص) بود و در چند غزوه جانشین پیامبر(ص) در مدینه شد. هنگامی‌که از سوری پیامبر(ص) نزد یهودیان «بنی قریظه» رفته بود تا به اسلام دعوت‌شان کند، پرسیدند به‌نظر تو ایمان بیاوریم؟ پاسخ داد: بله، اما با دست به گلولی خود اشاره کرد، یعنی در صورت تسلیم جان‌تان را از دست می‌دهید. وی از این کار پشیمان شد و خود را به یکی از ستون‌های مسجدالنبی(ص) بست و آن‌قدر ضجه زد تا خداوند توبه او را قبول کرد و پس از پانزده روز پیامبر(ص) با دستان شریف‌شان طناب‌ها را از وی باز کرد. ستونی که ابولبابه خود را به آن بسته به «ستون توبه» است.



احکام

نجس بودن بهائی‌ها

پرسش: بهائیان بسیاری در این‌جا کنار ما زندگی می‌کنند که رفت‌وآمد زیادی در خانه‌های مسا دارند. عده‌ای می‌گویند که بهائی‌ها نجس هستند و عده‌ای هم آنها را پاک می‌دانند. این گروه از بهائی‌ها اخلاقی خوبی از خود آشکار می‌کنند، آیا آنها نجس هستند یا پاک؟

پاسخ: آنها نجس و دشمن دین و ایمان شما هستند، پس فرزندان عزیزم جداً از آنها بپرهیزید.

(آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۳۳۱)



دین

شماره ۱۱۸۸ | دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

صداقت

مکتب

وظایف اصلی مسلمانی

ایمان معینی

کارشناس علوم دینی

سلامت دین و وظایف مسلمانی، از جمله موضوعات بنیادین در آموزه‌های اهل بیت(ع) است که در روایات شیعه به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این متون نورانی، هم اصل «سلامت دین» به‌منزله هدفی والا معرفی شده و هم راه‌های تحقق آن از طریق عمل به وظایف مسلمان مورد تأکید قرار گرفته است. روایات، سلامت دین را در گرو سلامت عقیده، عمل، نیت، ولایت، تقوا، عبادت و اخلاق می‌دانند. سلامت دین نعمتی است که انسان باید در حفظ آن بکوشد. در این مورد گفته‌اند: «الدِّينُ هُوَ الْحَيَاةُ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ»؛ دین همان زندگی است و کسی که دین ندارد، زندگی ندارد. این بیان نشان می‌دهد که دین نه فقط مجموعه‌ای از دستورات عبادی، بلکه جان و حیات انسان است. از همین رو، حفظ سلامت دین، همان حفظ سلامت حیات واقعی انسان است. روایات بسیاری با این مطلع وارد شده است که می‌فرماید: «دین ندارد کسی که این خصوصیات را داشته باشد.» برای نمونه امام رضا(ع) می‌فرمایند: «دین ندارد کسی که ورع ندارد...» (مشکاةالأنوار، ج ۱، ص ۴۲) همچنین امام صادق(ع) می‌فرمایند: «هر که پیمان شکن است دین ندارد و هر که امین نیست ایمان ندارد و هر که زکات مالش را نپردازد نمازش بی‌اثر است و هر که پرهیزگار و خویشتن‌دار نباشد زکاتش اثر ندارد.» (مشکاةالأنوار، ج ۱، ص ۸۱) تأکید اهل بیت(ع) بر این است که مسلمانان باید خود را از رفتارهایی که دین آنان را زایل می‌کند، دور کنند. در زندگی دینی از هر رفتاری که به سلامت دین مسا ضربه می‌زند باید پرهیز کنیم. سلامت دین همچنین با تواضع، صدق و راست‌گویی، رعایت حقوق مردم و توجه به عبادات، سنجیده می‌شود. یکی دیگر از عوامل مسلمانی و اسبابی که می‌توان با آن از مسلمانی خود مراقبت و محافظت داشته باشیم، دغدغه مسلمانان و در کل مخلوقات خدا را داشتن است. در کتاب «کافی» مرحوم کلینی، بخشی با عنوان «بابُ الاِختِمام بِأُمُورِ الْمُسْلِمِین» آمده است. اولین روایت این باب، نقلی است از امام صادق(ع) از پیامبر اسلام(ص) که فرمودند: «هر کسی که، صبح کند و اهتمامی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳) همچنین روایت چهارم این باب از امام صادق(ع) و با تفاوت بسیار اندکی در تعبیر؛ همین معنا را می‌رساند. در روایت پنجم این باب از امام صادق(ع) از پیامبر(ص) نیز همین معنا نقل شده است، جز آنکه در ادامه آن چنین آمده است: «هر مسلمانی که ندای مسلمانی را بشنود که از او کمک می‌خواهد و پاسخ او را ندهد مسلمان نیست.» (همان، ص ۱۶۴) در مجموع، سلامت دین در آموزه‌های شیعه، تنها با عبادت فردی حاصل نمی‌شود، بلکه در گرو مجموعه‌ای از وظایف عملی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و حتی سیاسی است که باید با معرفت، ولایت‌پذیری، تقوا، صدق، زهد، تواضع و اقدام عملی همراه باشد. اگر این وظایف انجام نشود، دین در معرض آسیب قرار می‌گیرد. مسلمانان براساس قرآن و سنت، وظایف مهمی نسبت به یکدیگر دارند که پایه‌گذار رشد، پیشرفت و توسعه اسلام و انسانیت در جامعه اسلامی است. حفظ حرمت جان، مال و آبروی مسلمانان از اصول اساسی دین است.

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

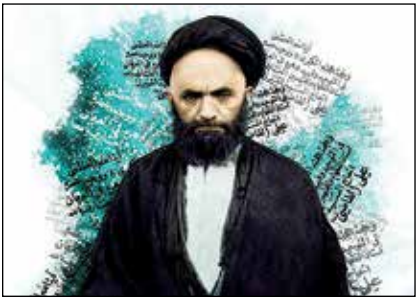


هر انسانی در طول زندگی خود با عبارت «امداد غیبی» برخورد خورد و شاید مشمول کمک‌های غیبی خداوند هم بشود. در مورد ایسن عبارت توضیح‌حالی آورده‌اند که برخی از آنها را می‌آوریم. امدادهای غیبی خداوند یکی از جلوه‌های خاص ربوبیت الهی است که در بزنگاه‌های سخت و در لحظات بحرانی به یاری بندگان خاص او می‌آید؛ این امدادها فراتر از محاسبات مادی و علل و اسباب معمول دنیوی هستند و با قدرت و اراده مستقیم الهی صورت می‌گیرند. در بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) به این حقیقت مهم اشاره شده است که مؤمنان نباید تنها به ابزار ظاهری و محاسبات عقل محدود خود تکیه کنند، بلکه باید با توکل و اعتماد به خداوند، چشم‌انتظار یاری‌هایی باشند که از خزائن نامرئی الهی می‌رسند. امداد غیبی، یعنی یساری خداوند متعال از طریق‌ی که در محاسبات عادی و اسباب طبیعی انسان قابل پیش‌بینی نیست. یعنی دخالت مستقیم یا غیرمستقیم الهی از عالم غیب برای نجات، پیروزی، حفظ یا تقویت روحی و مادی بندگان خاص خود در لحظاتی که به‌ظاهر اسباب عادی یاری به‌طور کامل از کار افتاده‌اند. این

سلوک

حق الناس

آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی: «آیت‌الله نجابت» نقل می‌کند: «وقتی که بنده مشرف شدم خدمت «آیت‌الله سیدعلی قاضی» فرمودند: «هر حقی که هر کس بر گردن تو دارد باید ادا کنی.» خدمت ایشان عرض کردم: «مدتی قبل در بین شاگردهایم که نزد بنده درس طلبگی می‌خواندند، یکی خوب درس نمی‌خواند. بنده ایشان را تنبیه کردم. اذن از ولی او هم داشتم در تربیت. در ضمن این‌جا هم نیست که از او طلب رضایت کنم.» فرمودند: «هیچ راهی نداری، باید پیدایش کنی.» آقای قاضی فرمودند: «هر حقی که برگردنت باشد تا ادا نکنی باب روحانیت، باب قرب، باب معرفت باز شدنی نیست.»



خرمشهرها در پیش است



سیدپویا هاشمی

دبیر گروه پرونده

انتخاب همر موضوعی برای یک پرونده مطبوعاتی، نتیجه یک غدغه، یک ضرورت یا دست‌کم یک پرسش مداوم در ذهن نویسنده است. این من، بازگشت به مفهوم «خرمشهرها در پیش است» تنها یادآوری یک واقعه تاریخی بود؛ بلکه تلاشی بود برای بازخوانی یک پیام راهبردی، که نه در گذشته متوقف مانده و نه تنها متعلق به ادبیات جنگ است.

عبارت «خرمشهرها در پیش است» که از سوی رهبر معظم انقلاب پس از فتح خرمشهر بیان شد، در نگاه اول به‌منزله یک جمله حماسی شناخته می‌شود. اما با تأملی بیشتر، تبدیل به یک تحلیل عمیق از آینده کشور می‌شود. این عبارت نه‌تنها ناظر به امکان تکرار پرویزی‌های بزرگ در میدان‌های دیگر است، بلکه هشدار می‌دهد که مسیر آینده، بدون مجاهدت، همدلی و ایستادگی، هموار نخواهد بود. من مسراغ این مفهوم رفقم چون معتقدم جامعه امروز ما، بیش از هر زمان دیگری، به بازخوانی سرمایه‌های معنوی و فرهنگی خود نیاز دارد. فتح خرمشهر تنها یک پیروزی نظامی نبود؛ تجلی اراده ملی، وحدت اجتماعی و مدیریت جهادی بود. شرایطی که کشور امروز نیز سخت به آنها محتاج است.

مشکلات اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی، آسیب‌های فرهنگی و ضعف‌های مدیریتی، هر کدام می‌توانند جلوه‌ای از اشغال بازخوانی فتح خرمشهر، نه یک روایت صرف تاریخی، بلکه یک ضرورت تمدنی است. پرونده‌ای که به‌د آن پرداخته‌ام، تلاشی است برای نشان دادن اینکه خرمشهر هنوز زنده است؛ نه به‌معنای یک جغرافیه، بلکه به معنای روحی که در آن زنده می‌ماند.

سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر، نه‌تنها یک رویداد تاریخی بلکه نمادی از مقاومت، اتحاد و اراده ملت ایران است. ایسن روز یادآور فداکاری‌هایی است که به بازپس‌گیری شهری منجر شد که قلب تپنده مقاومت ایران در برابر دشمن بود. اما درس‌های خرمشهر فراتر از میدان نبرد است؛ این رویداد می‌تواند الهام‌بخش ما برای بازسازی و تقویت اقتصاد کشور باشد. در موقعیتی که ایران با چالش‌های اقتصادی متعددی ازجمله تحریم‌ها، تورم و بیکاری مواجه است، تجربه خرمشهر نشان می‌دهد که با تکیه بر همبستگی، خودیابوری و برنامه‌ریزی دقیق می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. این گزارش به بررسی چگونگی بهره‌گیری از درس‌های خرمشهر برای ساخت اقتصادی مقاوم و پویا می‌پردازد.

● **خرمشهر؛ نماد پیروزی با اتحاد و اراده** آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تجربه هماهنگی بی‌نظیر نیروهای نظامی، حمایت بردمی و رهبری هوشمندانه بود. در آن زمان، ایران با کمبود منابع و وجود دارد، کمبودی که در سال ۱۳۶۱ در اوج ناپرابری نظامی و کمبودهای مادی، ملت ایران توانست یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های جنگ را به سرانجام برساند، امروز نیز می‌توان با همان روحیه، بحران‌های پیش‌رو را به فرصت تبدیل کرد. جمله «خرمشهر را خلسا آزاد کرد» نیز نیازمند تأمل دوباره است. ایسن جمله، نه به‌معنای سلب نقش از مردم، بلکه تأکیدی است بر حضور ایران در کنار تلاش انسانی. بازپس‌گیری خرمشهر، محصول هم‌افزایی اراده مردمی، فرماندهی مؤمنانه، و ایمان به پیروزی بود. امروز هم همین فرمول می‌تواند راهگشای ما باشد؛ حضور مردم، تصمیم شجاعانه دهریان و تکیه بر ارزش‌هایی که در سخت‌ترین روزهای جنگ، ملت ایران را مقاوم نگه‌داشت.

بازخوانی مفهوم «خرمشهرهای پیش رو» مدیریت تکرار ادبیات جنگ نیست؛ بلکه پاسخی است به این پرسش بنیادین که ما با کدام منطق، کدام سرمایه اجتماعی و کدام اعتماد بهنفع، می‌توانیم بر مردمی که به رشد اقتصادی کمک می‌آورد که با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی می‌توان به موفقیت‌رسید.

● **تولید داخلی و حمایت از آن** حمایت از تولید داخلی یکی از راه‌های تحقق خودیابوری است؛ در خرمشهر، نیروهای ایرانی با استفاده از تجهیزات داخلی و ابتکارات بومی توانستند بر دشمن غلبه کنند. امروز نیز تقویت صنایع کوچک و متوسط، و به متن زندگی مردم را بازگرداند. امید آنکه بومی، می‌تواند اقتصاد ایران را از وابستگی به خارج رها کند. برای نمونه، در سال‌های اخیر، شرکت‌های

درس‌های یک فتح

چگونه مقاومت و همبستگی در آزادسازی خرمشهر، می‌تواند الگویی برای توسعه اقتصاد ایران باشد؟

داش‌نویسان ایرانی در حوزه‌هایی مانند داروسازی و فناوری اطلاعات پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند. این موقعیت‌ها نشان‌دهنده پتانسیل عظیم نیروی انسانی و خلاقیات ایرانی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

● **کاهش وابستگی به نفت** وابستگی به نفت یکی از نقاط ضعف اقتصاد ایران است که در زمان تحریم‌ها آسیب‌پذیری کشور را افزایش داده است. درس خرمشهر به ما می‌گوید که باید از منابع محدود به بهترین شکل حساب‌شده ممکن تسبود. عملیات اقتصاد از طریق توسعه بخش‌های کشاورزی، گردشگری و صنایع خلاق، می‌تواند جایگزینی برای درآمد‌های نفتی باشد. برای مثال، ایران با داشتن برنامه‌ریزی تاریخی و طبیعی فراوان می‌تواند به یکی از مقاصد اصلی گردشگری منطقه تبدیل شود، مشروط بر اینکه اصل ساخت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بهبود یابد.

● **برنامه‌ریزی دقیق** آزادسازی خرمشهر بدون برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی‌های حساب‌شده ممکن نبود. عملیات بیت‌المقدس که به آزادسازی خرمشهر منجر شد، نتیجه ماه‌ها تحلیل، هماهنگی و اجرای دقیق بود. این درس برای اقتصاد ایران نیز حیاتی است. بدون برنامه‌ریزی بلندمدت و سیاست‌گذاری‌های منسجم، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت.

● **توسعه مناطق محروم** یکی از درس‌های خرمشهر، توجه به مناطق محروم است. در دوران فتح خرمشهر، مناطق محروم نقش کلیدی را بازی می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد. توسعه مناطق محروم می‌تواند به تولید داخلی، اشتغال‌زایی و کاهش فقر کمک کند. در حالی که خرمشهر در زمان جنگ به‌دلیل موقعیت استراتژیک خود مورد توجه قرار گرفت. اما پس از جنگ، بازسازی آن به توسعه منطقه کمک کرد. امروز نیز سرمایه‌گذاری در مناطق محروم ایران، مانند سیستان و بلوچستان با مناطق مرزی، می‌تواند به کاهش ناپرابری‌های اقتصادی و رشد متوازن کشور کمک کند.

جهان امروز با سرعت بی‌سمت اقتصاد دیجیتال حرکت می‌کند. ایران نیز برای عقب نماندن از این روند، باید در فناوری و نوآوری سرمایه‌گذاری کند. تجربه خرمشهر نشان داد که با ابتکار و خلاقیات می‌توان بر محدودیت‌ها غلبه کرد. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، حمایت از استارت‌آپ‌های فناوری و ایجاد پارک‌های علم و فناوری نیز سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی نیروی کار می‌تواند اقتصاد ایران را متحول کند. توسعه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، حمایت از کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان ازجمله اقداماتی است که می‌تواند به توانمندی و اشتغال‌زایی کمک کند و به رشد اقتصادی کمک کند.

● **نقش مردم** آزادسازی خرمشهر بدون حمایت مردم ممکن نبود. از کمک‌های مالی و لجستیکی گرفته تا حضور داوطلبانه در جبهه‌ها، نقش مردم در این پیروزی غیرقابل انکار است. در اقتصاد نیز، مشارکت مردم می‌تواند معجزه کند. تکیه بر اتحاد، خودیابوری، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت مردم می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد. خرمشهر به ما آموخت که هیچ مانعی غیرقابل عبور نیست، مشروط بر اینکه اراده‌ای قوی و هدفی مشترک داشته باشیم. امروز، زمان است که با الهام از این تجربه تاریخی، اقتصادی و اجتماعی را متحول کنیم. با مشارکت مردم می‌تواند معجزه کند. برآورده شده، بلکه ایران را به جایگاهی شایسته در اقتصاد جهانی برساند.

جوانان در صف اول

سوم خرداد، سالروز فتح خرمشهر، نه‌تنها یادآور حماسه‌های بزرگ در تاریخ دفاع مقدس است، بلکه الگویی برای تلاش و مجاهدت در عرصه‌های گوناگون امروز به‌شمار می‌رود. در این روز تاریخی، جوانان انقلابی با تکیه بر ایمان، خلاقیات و اراده‌ای پولابین، ناممکن‌ها را امکان کردند. امروز، در شرایطی که کشور با چالش‌های اقتصادی مواجه است، فتح خرمشهر می‌تواند به نمادهی از جهاد اقتصادی الهام‌بخش باشد.

● **مشارکت در اقتصاد دانش‌بنیان** مردم همچنین می‌توانند با سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها و شرکت‌ها به بهترین شکل حساب‌شده ممکن کنند. در سال‌های اخیر، پلتفرم‌های تأمین مالی جمعی (Crowd-funding) در ایران رشد کرده‌اند که فرصت خوبی برای مشارکت مردم در پروژه‌های نوآورانه فراهم می‌کنند. این مشارکت نه‌تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه حس همبستگی و مسئولیت اجتماعی را تقویت می‌کند، همان‌طور که در خرمشهر شاهد آن بودیم.

● **خرمشهر، الگویی برای آینده** خرمشهر پس از آزادسازی، با تلاش‌های بسیار بازسازی شد و امروز به‌منزله یکی از شهرهای مهم اقتصادی تجاری ایران شناخته می‌شود. این بازسازی نشان‌دهنده ظرفیت برای ابر ایجا و پیشرفت حتی در شرایط دشوار است. اقتصاد ایران نیز حیاتی است. بدون برنامه‌ریزی بلندمدت و سیاست‌گذاری‌های منسجم، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت.

● **توسعه مناطق محروم** یکی از درس‌های خرمشهر، توجه به مناطق محروم است. در دوران فتح خرمشهر، مناطق محروم نقش کلیدی را بازی می‌تواند در اقتصاد ایران داشته باشد. توسعه مناطق محروم می‌تواند به تولید داخلی، اشتغال‌زایی و کاهش فقر کمک کند. در حالی که خرمشهر در زمان جنگ به‌دلیل موقعیت استراتژیک خود مورد توجه قرار گرفت. اما پس از جنگ، بازسازی آن به توسعه منطقه کمک کرد. امروز نیز سرمایه‌گذاری در مناطق محروم ایران، مانند سیستان و بلوچستان با مناطق مرزی، می‌تواند به کاهش ناپرابری‌های اقتصادی و رشد متوازن کشور کمک کند.

جهان امروز با سرعت بی‌سمت اقتصاد دیجیتال حرکت می‌کند. ایران نیز برای عقب نماندن از این روند، باید در فناوری و نوآوری سرمایه‌گذاری کند. تجربه خرمشهر نشان داد که با ابتکار و خلاقیات می‌توان بر محدودیت‌ها غلبه کرد. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، حمایت از استارت‌آپ‌های فناوری و ایجاد پارک‌های علم و فناوری نیز سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی نیروی کار می‌تواند اقتصاد ایران را متحول کند. توسعه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، حمایت از کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان ازجمله اقداماتی است که می‌تواند به توانمندی و اشتغال‌زایی کمک کند و به رشد اقتصادی کمک کند.

● **نقش مردم** آزادسازی خرمشهر بدون حمایت مردم ممکن نبود. از کمک‌های مالی و لجستیکی گرفته تا حضور داوطلبانه در جبهه‌ها، نقش مردم در این پیروزی غیرقابل انکار است. در اقتصاد نیز، مشارکت مردم می‌تواند معجزه کند. تکیه بر اتحاد، خودیابوری، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت مردم می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد. خرمشهر به ما آموخت که هیچ مانعی غیرقابل عبور نیست، مشروط بر اینکه اراده‌ای قوی و هدفی مشترک داشته باشیم. امروز، زمان است که با الهام از این تجربه تاریخی، اقتصادی و اجتماعی را متحول کنیم. با مشارکت مردم می‌تواند معجزه کند. برآورده شده، بلکه ایران را به جایگاهی شایسته در اقتصاد جهانی برساند.

● **فتح‌الله توسلی** «عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته‌نامه «صبح‌صادق» به‌مناسبت سوم خرداد، سالروز فتح خرمشهر، به بررسی درس‌های این پیروزی تاریخی برای تقویت اقتصاد و تولید داخلی پرداخت. وی با اشاره به موقعیت دشوار جنگ تحمیلی، فتح خرمشهر را نتیجه اراده الهی، هدایت‌های امام خمینی(ره)، و مشارکت بی‌نظیر مردم دانست. توسلی تأکید کرد که این تجربه نشان‌داد هرگاه اراده مردم با حمایت مسئولان و هدایت رهبری همراه شود، غیرممکن‌ها ممکن می‌شود. او گفت: «در آن زمان، ما نه شرکت‌های دانش‌جویان امروز را داشتیم، نه ارتش به‌سازمانده شدن، و نه فناوری‌های پیشرفته‌ای که امروز در اختیار ماست. با این حال، با تکیه بر اراده مردم و ایمان به هدف، خرمشهر را بازپس گرفتیم. این همان الگویی است که می‌توانیم در حوزه اقتصاد و تولید داخلی به‌کار ببریم.» توسلی معتقد است که فتح خرمشهر تنها یک پیروزی نظامی نبود، بلکه نمادی از توانایی ملت ایران در غلبه بر موانع و مظاهر غیرقابل عبور بود.

● **وی افزود:** «در آن زمان، دشمن تصویری کرد که ایران نامی‌نوالد پشت از روی اونسروندو ایجاد کند یا خرمشهر را از جنگ‌های نبره‌های یعنی آزاد سازد. اما با ایمان، اتحاد، و تلاش بی‌وقفه، این معجزه رقم خورد. امروز هم در حوزه اقتصاد، با همان روحیه می‌توانیم بر تحریم‌ها، مشکلات معیشتی، و چالش‌های تولید غلبه کنیم.»

● **از میدان جنگ تا جهاد اقتصادی** توسلی با تشبیه موقعیت کنونی اقتصاد ایران به یک میدان نبرد، اظهار داشت که دشمنان امروز به‌جای موشک‌های نظامی، بسا ابزارهای اقتصادی مانند تحریم، تورم، و تضعیف تولید ملی به مقابله با ایران پرداخته‌اند. وی تأکید کرد: «دشمن با افزایش فشارهای اقتصادی، ناترازی در بخش‌هایی مانند برق، گاز، آب، و همچنین تشویق به واردات بی‌رویه، سعی در تضعیف اقتصاد ملی ما دارد. اما همان‌طور که در جنگ تحمیلی با تولید تسلیحات بومی و تقویت توان نظامی پاسخ دشمن را دادیم، امروز هم باید با تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات، اقتصادمان را مقاوم کنیم.» او برنده‌نهایی از موقعیت‌های ایران در حوزه‌های علمی و فناوری اشاره کرد و گفت: «ما در ساخت موشک‌های پیشرفته، پهپادها، و فناوری‌های هسته‌ای و نانو به جایگاه‌های برتر جهانی رسیدیم. این موفقیت‌ها در موقعیتی به‌دست آمده‌است که دشمنان حتی با استفاده از وابستگی به واردات در بخش‌هایی مانند تسلیحات، ما را با تلاش دستگاه‌های امنیتی و هوشیاری مردم، این موانع را پشت سر گذاشتیم. این نشان می‌دهد که اگر اراده مردم در حوزه اقتصاد هم می‌توانیم به خودکفایی برسیم.»

● **روحیه انقلابی، لازمه پیشرفت** توسلی با تأکید بر ضرورت بازگشت به روحیه و ارزش‌های دوران انقلاب، گفت: «اگر مسئولان با همان

اقتصاد ایران واکسیر روحیه انقلابی



● **زیرساخت‌ها و مدیریت، دو بال موفقیت** توسلی معتقد است که ایران از نظر زیرساخت‌های طبیعی و انسانی جوان، و ظرفیت‌های علمی به هم‌عاطر کرده است. دستگاه‌ها و مدیریت صحیح منابع است. وی گفت: «خوداندنعمت‌های فراوانی مانند منابع طبیعی، نیروی انسانی جوان، و ظرفیت‌های علمی به هم‌عاطر کرده است. اما برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها، نیاز به هماهنگی بین دستگاه‌ها و مدیریت کارآمد داریم.» او به ضرورت ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها و رفع مشکلات‌شان اشاره کرد و افزود: «این زیرساخت‌ها منابع مالی می‌خواهد که می‌توان با افزایش صادرات کاهش واردات تأمین کرد. برای نمونه، ۱۵ میلیارد دلار برای ساخت نیروگاه‌های جدید را برآورده کنیم.»

● **تقویت اقتصاد، راهی برای عزت ملی** توسلی در پایان تأکید کرد که تقویت اقتصاد نه‌تنها به بهبود معیشت مردم کمک می‌کند، بلکه به عزت و منزلت ملی نیز منجر می‌شود. وی گفت: «اگر اقتصاد ما به سطحی برسد که تولید ناخالص داخلی به یک‌پا دو تریلیون دلار برسد، کشور‌های منطقه و شرکت‌های بزرگ جهانی خودشان مانع تحریم ما خواهند شد. مردم از ما چیز پیچیده‌ای نمی‌خواهند، نان، آب، مسکن، و شغل می‌خواهند. اینها وظایف اولیه هر حاکمیتی است.» وی با پایان با اشاره به شمار سال‌ها تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر تولید داخلی، اظهار داشت: «ما در حوزه اقتصادی ایران به‌خودمان ایمان داشته‌باشیم و با هماهنگی و مدیریت مناسب، می‌توانیم به خودکفایی برسیم.»

● **میزان انهدام یگان دشمن** در جریان عملیات بیت المقدس، یگان‌های دشمن در منطقه خرمشهر به شدت تلفات دیدند. در حالی که ایران با تلفات بسیار کم، به اهداف خود رسید. این موضوع نشان‌دهنده توانمندی و مهارت نیروی نظامی ایران در درگیری‌های شهری است.



عبور از موانع شدنی است!

را کم کند، مشابه هماهنگی‌ای که در خرمشهر برای تخصیص منابع دیده شد.

● **مشارکت مردمی** مردم در خرمشهر با کمک‌های مالی و لجستیکی نقش کلیدی داشتند. امروز، مشارکت مردمی در اقتصاد از طریق کارآفرینی، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک و خرد، یا راه‌اندازی شرکت‌های تولیدی، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. برای نمونه، پلتفرم‌های تأمین مالی حوزه‌های مانند داروسازی و فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر نشان‌دهنده پتانسیل برای ایران خودکفایی است. حمایت از این صنایع با تسهیلات مالی و بازسازی می‌تواند اقتصاد را مقاوم‌تر کند.

● **برنامه‌ریزی** عملیات بیت‌المقدس، که به آزادسازی خرمشهر منجر شد، نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از منابع محدود بود. در حوزه اقتصاد، ایسن درس به‌معنای تدوین نقشه راه برای سرمایه‌گذاری‌ها، دولت باید با شناسایی صنایع اولویت‌دار، مانند پتروشیمی و فناوری، و رفع موانع تولید، سرمایه‌ها را به‌سمت بخش‌های مولد هدایت کند. همچنین، اصلاح نظام بانکی و کاهش بروکراسی می‌تواند هزینه‌های تولید

را کم کند، مشابه هماهنگی‌ای که در خرمشهر برای تخصیص منابع دیده شد.

● **مشارکت مردمی** مردم در خرمشهر با کمک‌های مالی و لجستیکی نقش کلیدی داشتند. امروز، مشارکت مردمی در اقتصاد از طریق کارآفرینی، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک و خرد، یا راه‌اندازی شرکت‌های تولیدی، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. برای نمونه، پلتفرم‌های تأمین مالی حوزه‌های مانند داروسازی و فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر نشان‌دهنده پتانسیل برای ایران خودکفایی است. حمایت از این صنایع با تسهیلات مالی و بازسازی می‌تواند اقتصاد را مقاوم‌تر کند.

● **برنامه‌ریزی** عملیات بیت‌المقدس، که به آزادسازی خرمشهر منجر شد، نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از منابع محدود بود. در حوزه اقتصاد، ایسن درس به‌معنای تدوین نقشه راه برای سرمایه‌گذاری‌ها، دولت باید با شناسایی صنایع اولویت‌دار، مانند پتروشیمی و فناوری، و رفع موانع تولید، سرمایه‌ها را به‌سمت بخش‌های مولد هدایت کند. همچنین، اصلاح نظام بانکی و کاهش بروکراسی می‌تواند هزینه‌های تولید

را کم کند، مشابه هماهنگی‌ای که در خرمشهر برای تخصیص منابع دیده شد.

● **مشارکت مردمی** مردم در خرمشهر با کمک‌های مالی و لجستیکی نقش کلیدی داشتند. امروز، مشارکت مردمی در اقتصاد از طریق کارآفرینی، سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک و خرد، یا راه‌اندازی شرکت‌های تولیدی، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. برای نمونه، پلتفرم‌های تأمین مالی حوزه‌های مانند داروسازی و فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر نشان‌دهنده پتانسیل برای ایران خودکفایی است. حمایت از این صنایع با تسهیلات مالی و بازسازی می‌تواند اقتصاد را مقاوم‌تر کند.

● **برنامه‌ریزی** عملیات بیت‌المقدس، که به آزادسازی خرمشهر منجر شد، نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از منابع محدود بود. در حوزه اقتصاد، ایسن درس به‌معنای تدوین نقشه راه برای سرمایه‌گذاری‌ها، دولت باید با شناسایی صنایع اولویت‌دار، مانند پتروشیمی و فناوری، و رفع موانع تولید، سرمایه‌ها را به‌سمت بخش‌های مولد هدایت کند. همچنین، اصلاح نظام بانکی و کاهش بروکراسی می‌تواند هزینه‌های تولید

تقویم انقلاب

افتخار به هزاران سرباز گمنام

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

نیمه اردیبهشت ۱۳۶۲ امام راحل پیام مهمی در راستای دستگیری سران حزب توده ایران صادر کردند. این پیام از جهاتی دارای اهمیت است؛ ۱- امام راحل در این پیام مهم در ابتدا مرقوم فرمودند: «اگر فاتحان دنیا افتخار می کنند به سرباز گمنام، اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می کنند به هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند و برای کشور اسلامی خویش و اسلام عزیز و ملت انسان پرور افتخاراتی می آفرینند، معجزه آسا و پیروزی های ژرف.»

۲- امام راحل بین سربازان گمنام قدرت های مادی دنیا و سربازان گمنام اسلام تفاوت قائل هستند و می فرمایند: «قدرت های مادی دنیا فخر می فروشند» و «انگیزه آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستمکاری است.» درحالی که انگیزه سربازان گمنام اسلام «خدا و طلب حق است» یعنی انگیزه قدرت طلبی و مادی در آنان راه ندارد، فقط خدا را ناظر اعمال خودمی بینند.

۳- امام راحل در این پیام می فرمایند: «اساساً سربازان اسلام، اگرچه نامدار باشند، در این جهان گمنامند. نامدارترین سرباز فداکار در اسلام، امیرالمؤمنین است و او گمنام ترین سرباز است و در ادامه توضیح می دهند که «با کدام تفکر عرفانی، فلسفی، سیاسی و با کدام قلم و زبان و بیان، بشر این سرباز گمنام را معرفی کند و بشناسد و بشناساند؟»

۴- نکته مهم دیگر اینکه امام راحل مرقوم فرموده اند: «سربازان گمنام ما در تمام جبهه ها و پشت جبهه ها که شب و روز و جوانی و هستی خود را برای اسلام و مکتب الهی فدا می کنند و نام و نشانی نمی خواهند و ندارند، چه بسا که به سبب ضرورت تشکیلاتی همسران و مادران و نزدیکان آنان ندانند که اینان چه حماسه ها می آفرینند و چه ارزش ها برای انقلاب خلق می کنند.»

۵- در بخشی دیگر این پیام درباره جنگ های داخل کشور با ضدانقلاب تجزیه طلب و کودتاچیان و تروریست ها است: «جوانان ارجمند و عزیز ما در جبهه های داخلی از عمق جنگل های وسیع تا بیغوله ها و پناهگاه های بزرگ منحرفان غافل از خدا، از دموکرات و کومله تا منافقین و فدایی خلق و حزب خلق به اصطلاح مسلمان تا حزب توده و دیگر گروه های کوچک و بزرگ را با فداکاری ها و خدایلی ها قلع و قمع کردند که دنیا را با همه دشمنی ها که دارند به اعجاب و تحیر درآوردند.

۶- امام راحل در بخش پایانی با قدردانی و تشکر خواستار تقویت سلحشوران مرزها و داخل کشور شدند و برای حافظان کشور دعا کردند: «بارالها ما را به این نعمت ها که نصیب ما فرمودی و ما را از کید و خیانت بدخواهان به وسیله جوانان عاشق خود حفظ فرمودی شکر می کنیم و از عهده آن برنمی آیم، بارالها! این عزیزان مجاهد فی سبیل الله را برای ملت ما حفظ فرما و...»

منبع: (صحیفه امام جلد هفدهم، صفحات ۴۲۱ و ۴۲۲)



خمینی بت شکن خدا نگهدار تو

– مذهبی است و به همین جهت گروه های سیاسی و جبهه ها تصمیم گرفتند از این اجتماعات وسیع مردمی بهره گیری کنند و رهبران خود را از انزوا خارج سازند و به سر زبان ها بیاورند.

صبح روز یازدهم محرم توده های مردم در مسجد شاه سابق (مسجد امام) گرد آمدند و در اندک مدتی باز شعارهای روز قبل، جمعیت را به حرکت درآورد و از طریق ناصر خسرو و توپخانه وارد خیابان فردوسی شدند و به سخنرانی پرداختند و با ادامه راه به دانشگاه رسیدند و دانشجویان با تعطیل کردن کلاس های دانشگاه به جمعیت پیوستند و تظاهرات با شور و هیجان بیشتر ادامه یافت. روز ۱۴ خرداد در شدت گرمی هوا شعار واحد، رهبری خمینی بود و گاه گاهی شعار به این عبارت تبدیل می شد: «تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد.»

در این موقعیت بود که علاقمندان به دکتر مصدق یا عوامل دیگر و بنابر دلایل خاص شرایط را برای تجلیل از مصدق مناسب دیدند و بنابر این جمعی کلمه مصدق را به میان آوردند و اصرار داشتند تا توده های وسیع مردم را به این «شعار خمینی رهبر شیعی مصدق رهبر ملی» آشنا سازند. به هر حال مسیر راهپیمایی روز قبل تکرار شد و در مقابل کاخ مرمر باز همان شعار «مرگ بر این دیکتاتور» عنوان شد.

خدا نگهدار تو» اوج یافت و در بازگشت وقتی جمعیت به مقابل کاخ مرمر رسید بدون تصمیم قبلی ناگاه جمعیت فریاد برآورد «مرگ بر این دیکتاتور» اداره کنندگان تظاهرات کوشش کردند از هرگونه حمله یا ادامه شعار به آن صورت جلوگیری کنند، ولی جمعیت همان شعار را برای مدتی تکرار می کرد در واقع هدف از تظاهرات در همین جمله خلاصه شده بود و سقوط شاه را طلب می کرد.

راهپیمایی و تظاهرات آن روز در ساعت ۳ پس از بازگشت به بازار پایان گرفت و تظاهرات از جانب دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از رهبری آیت الله خمینی با شعار «خمینی پیروز است» صورت گرفت. این تظاهرات از مسجد هدایت خیابان استانبول تا میدان شاه ادامه یافت و جمعیت تظاهر کننده به مجلس عزاداری مدرسه حاج ابوالفتح پیوست.

عزاداری عاشورا به همراه شعارهای معرف مرجعیت روحانی سیاسی امام خمینی، تهران را لرزاند و موقعیت مردمی خمینی را در درجه اول از اهمیت قرارداد. تا آن روز روشنفکران براساس تحلیل های خودشان تصوراتی داشتند. اما حرکت فیضیه قم و به ویژه شخص آیت الله خمینی و شعارهای عاشورا به آنها فهماند، کلام او بیش از همه شعارها نفوذ دارد و نفوذ او سیاسی

انزجار نسبت به یزد از دودمان اموی ندارند، بلکه با نوحه سرایی و اشعار انقلابی برای کشتگان مدرسه فیضیه به یاری حسین (ع) می شتابند، خطر اسرائیل را برای امت مسلمان یادآور می شوند و تأکید روی خطری دارند که از جانب رژیم های وابسته بر اسلام وارد می شود و کمتر از خطر بنی امیه نیست.

روز عاشورا فرا می رسد. در این روز ده ها هزار نفر توده های مردم که در جریان دقیق مبارزه امام بودند، با در دست داشتن عکس آیت الله خمینی (ره) با شعار «خمینی خدا نگهدار تو، ملت طرفدار تو»، به خیابان های تهران ریختند. از قبل محل اجتماع مدرسه حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه در نظر گرفته شده بود. اما این مدرسه از صبح زود در محاصره پلیس قرار گرفت و هنگامی که ازدحام جمعیت برای مراسم عزاداری و فریاد شعار های ضد رژیم بالا گرفت، کنترل از دست پلیس خارج شد و مسجد و اطراف آن در اختیار مردم قرار گرفت و با شعار به راهپیمایی پرداختند. تظاهر کنندگان پس از عبور از سه راه امین حضور و سرچشمه به میدان بهارستان رسیدند و عکس امام را در این میدان نصب کردند و سپس به خیابان فردوسی رفتند و با تعلق و خطاب، انقلاب سفید شاه را محکوم ساختند و آنگاه به سوی دانشگاه تهران رفتند و فریاد «خمینی بت شکن

دهلیز

جمهوری رضاخانی!

مروری بر ستیز دیکتاتور پهلوی با روحانیت

نیز برای ریاست جمهوری ایران کاندیدا می دانست. روحانیون، با انواع احکام قانونی و دینی با این پیشنهاد مخالفت کردند و رضاخان که با همه قدرت جرئت مخالفت با آنان را نداشت، تصمیم گرفت با استفاده از راه ها و منابع نفوذ دیگر به اهداف خود برسد. این مواجهه و درگیری با روحانیون و درک این واقعیت که تنها آنان می توانند با او و با عقاید او مخالفت کنند، دشمنی عمیق رضاخان با این جامعه را شکل داد. محمدرضا پهلوی می گوید: «او در اعماق روح خود (مذهبی) بود! ولی علیه بعضی از عقاید آنها رفتار می کرد. او مجبور بود این نقاط ضعف را ریشه کن کند و من خود نیز مجبورم همین کار را بکنم.» «حال آنکه آرنولد اشاره می کند، بجز در برخی شرایط استثنایی در ایران همواره نیروی دولت شاه بسیار کمتر از نیروی نفوذ علمای دینی است.»



واژه «آپارتاید» از نظر لغوی به معنای مجزا و جدا نگهداشتن است و در واقع به معنای سیستمی از تبعیض نژادی، مذهبی، قومی و جداسازی اجتماعی است که بیشتر به وسیله طیف اکثریت (حاکم) نسبت به گروه اقلیت اعمال می شود.

چنین نظامی، بیشتر با جداسازی فیزیکی و سرزمینی نژادها و محروم ساختن بعضی از نژادها از منافع و خدمات عمومی، شناخته می شود. نمونه بارز و مصداق عینی اقدامات مربوط به آپارتاید را می توان در پیشینه تاریخی اقداماتی که در آفریقای جنوبی انجام شده، مشاهده کرد.

برای بررسی مسئله آپارتاید در آفریقای جنوبی، باید به ریشه های تاریخی و چگونگی شکل گیری ترکیب جمعیتی آن سرزمین توجه کرد. از هنگام ورود هلندی ها به آفریقای جنوبی، برای رفع کمبود نیروی کار مستعمره کپ تاون، از اندونزی، ماداگاسکار و هند، بردگانی آورده شدند. علاوه بر این، رهبران در دسر سازی که اغلب از اشراف بودند از مستعمرات هلند به آفریقای جنوبی تبعید شدند. این گروه از بردگان، سرانجام جمعیتی را تشکیل دادند که اکنون به منزله مالایی های کپ تاون شناخته می شوند. آنها از سوی استعمارگران اروپایی بیشتر دارای مقام اجتماعی بهتری بوده اند و صاحب زمین شدند؛ اما به تدریج با توسعه آپارتاید، زمین های خود را از دست دادند. در سال ۱۹۱۳، اتحادیه آفریقای جنوبی

بردگی مدرن!

نگاهی به سیاست های ضد انسانی استعمارگران در آفریقا

قانونی تصویب کرد که براساس آن حق انحصاری ۸۷ درصد از زمین های کشاورزی به سفیدپوستان و ۱۳ درصد آن به سیاه پوستان واگذار شد. هم زمان با شروع جنگ جهانی اول، انگلیس بسیاری از آفریقایی ها را برای جنگ علیه نیروهای محور، به جنگ اعزام کرد. در خلال جنگ جهانی اول، وضعیت اسفناک سیاه پوستان از جمله دست مزد پایین، وضعیت مسکن و امکانات بهداشتی نامناسب، به شکل گیری اتحادیه های کارگری علیه استعمارگران منجر شد.

با این وجود، تا شروع جنگ جهانی دوم، سفیدپوستان آفریقای جنوبی کنترل دولت و اقتصاد را به انحصار خود در آوردند که شامل منابع طبیعی، مانند سسومین ذخیره طلای جهان می شد. سفیدپوستان اندیشه های مذهبی و فلسفه مبتنی بر برتری نژاد سفید را توسعه دادند و یک نظام قانونی و اقتصادی را با کمک نیروی پلیس و ارتش، تشکیل دادند که غیرسفیدها را از اقتصاد و قدرت سیاسی حذف می کرد.

با افزایش مقاومت علیه نظام سفیدپوستان، قانون هایی که بر شدت محدودیت ها می افزود، تصویب شد. غیرسفیدها به اجبار خانه هایشان را ترک کردند و در محله های جدا اسکان داده شدند. هر صدای مخالف سرکوب شد، قوانین نژادپرستانه، از خارج کردن افراد و سازمان ها از زندگی عمومی تا تحمیل قانون ازدواج سفید با سفید و سیاه با سیاه، اعمال شد.

نگاهی به «صد دام»، ساخته پدram پورامیری

صدام در خیابان‌های تهران!



آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

فیلم «صددام» به کارگردانی «پدرام پورامیری» تلاش دارد با تکیه بر ایده‌ای نسبتاً جذاب، روایتی طنزآلود از مواجهه بدل «صدام حسین» با موقعیت‌هایی در تهران ارائه دهد. با حضور چهره‌هایی چون رضا عطاران، پرنساز ایزدیار و آزاده صمدی، این فیلم در ظاهر می‌خواهد با نگاهی تازه، به موقعیتی تاریخی نزدیک شود و به مدد طنز، داستانی را روایت کند که شاید تاکنون نمونه مشابهی در سینمای ایران نداشته باشد. اما پرسش این است که آیا «صددام» توانسته از این ایده بالقوه، محصولی سینمایی و قابل دفاع بیرون بکشد؟ پاسخ، متأسفانه، منفی است.

● ایده‌ای بکر، اجرایی ناقص

پیش‌فرض داستان فیلم (ارسال بدل صددام به تهران برای ضبط یک پیام تبلیغاتی) در چارچوب طنز سیاسی، به‌ظاهر ظرفیتی بالقوه برای خلق موقعیت‌های کمیک و انتقادی دارد. اما آنچه در عمل از دل فیلم بیرون می‌آید، نه‌تنها ساختار روایی منسجم و موقعیت‌سازی هوشمندانه ندارد، بلکه با سوءبرداشت از مفهوم طنز و هجو، به کاریکاتوری شلخته بدل شده که نه می‌خنداند و نه تأمل‌برانگیز است. در تاریخ سینمای جهان، آثار متعددی وجود دارند که با بهره‌گیری از کمدی، به نقد شخصیت‌های سیاسی پرداخته‌اند. نمونه‌هایی چون دیکتاتور بزرگ چاپلین، دیکتاتور ساشا بارون کوهن یا حتی سوپ اردک برادران مارکس، توانسته‌اند با حفظ احترام به شعور مخاطب، از دیکتاتور‌ها و حوادث سیاسی الهام بگیرند و اثری طنز، اما عمیق خلق کنند.

مهدی امیدی

خبرنگار فرهنگ

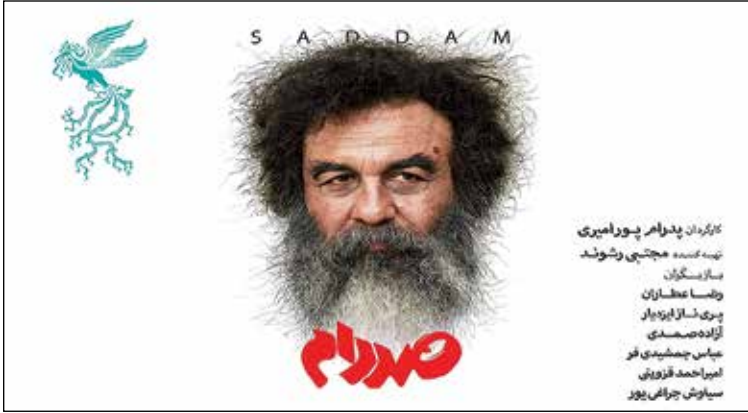
هجدهمین جشنواره فیلم مقاومت، تنها یک رویداد سینمایی نیست بلکه نقطه عطفی در مسیر تبدیل مقاومت از یک گفتمان منطقه‌ای به یک جبهه جهانی در عرصه هنر است. دعوت و حضور فیلمسازان مستقل جهان در دل این جشنواره، نه‌تنها پاسخی به یک نیاز دیرین، بلکه اقدامی راهبردی برای هم‌افزایی سینماگران آزاده جهان علیه سلطه فرهنگی غرب است.

در جهانی که هالیوود با سرمایه‌گذاری‌های کلان، روایت‌های ساختگی خود را به سرتاسر دنیا صادر می‌کند، جای یک جبهه فرهنگی برای مقابله با این یک‌سویه‌گرایی به‌شدت خالی است. اگر سلطه‌گران از سینما برای تظهير

اشتراک اصلی این آثار، در استفاده از شخصیت‌های خیالی، مکان‌های غیرواقعی و تمثیل‌سازی‌های دقیق است که در عین انتقاد، از تحریف تاریخی فاصله می‌گیرند. صددام با نام و هویت واقعی صدام حسین، ماجرای به‌ظاهر واقعی؛ اما شدیداً غیرمنطقی را به تصویر می‌کشد و در این میان، نه به طنز می‌رسد و نه به هجو؛ بلکه بیشتر به سخره‌ای سخیف از تاریخ معاصر شبیه می‌شود.

● وقتی تحریف، جای تخیل را می‌گیرد

بزرگ‌ترین ایراد فیلم در انتخاب بی‌پروای آن برای استفاده از شخصیت و وقایع واقعی نهفته است؛ تصمیمی که بدون بهره‌گیری از رمزگشایی تمثیلی، فیلم را وارد میدان تحریف می‌کند. صدام حسین، دیکتاتور خون‌ریز عراق که با حمایت گسترده غرب، جنگی هشت‌ساله را بر ایران تحمیل کرد و ده‌ها هزار شهید، مجروح و آواره بر جای گذاشت، در این فیلم در حد شخصیتی کم‌خرد و مضحک تنزل یافته است. این در حالی است که اگر دشمنی چنین ناتوان و احمق بود، مقاومت ملت ایران علیه او چه اهمیتی می‌داشت؟ این تصویر نه تنها از بار تراژیک جنگ تحمیلی می‌کاهد،



بلکه ناخواسته توهینی است به مردمی که سال‌ها در برابر ماشین جنگی بعث ایستادگی کردند. فیلم، در حالی صدام و یارانش را به سادگی به تمسخر می‌کشد که هیچ اشاره‌ای به حامیان اصلی او یعنی ایالات متحده، کشورهای اروپایی یا هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش ندارد. حذف این‌عناصر مهم از داستان، موجب می‌شود تصویری یک‌سویه، ناقص و در نهایت بی‌اثر از جنگ و سیاست به مخاطب ارائه شود.

● ضعف در شخصیت‌پردازی

شخصیت اصلی فیلم (صلاح، بدل صدام) به شکلی طراحی شده که نه کاملاً جدی است، نه به‌درستی احمق؛ بلکه در یک برزخ بالاتکلیف میان کمدی و جدیت سرگردان است. بازی رضا عطاران، که سابقه‌ای طولانی در خلق نقش‌های کمیک دارد، نتوانسته این شخصیت مبهم را نجات دهد. او نه در موقعیت‌های فیزیکی می‌درخشد و نه در طنز کلامی، و نتیجه آن است که خنده‌هایی گهگاه از تماشاگر گرفته می‌شود، بیشتر حاصل شوخی‌های سطحی و دم‌دستی است تا طنزی اصیل و متفکرانه. نکته دیگر، ساده‌انگاری عجیب در طراحی داستان

● برداشت

به بهانه برگزاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت

اتحادیه جهانی فیلمسازان ضدسلطه

یک روایت انسانی و حق‌طلبانه در برابر ماشین تبلیغاتی امپریالیسم فرهنگی است.

نقش جمهوری اسلامی ایران در این میان کلیدی است. همان‌طور که در حوزه کاریکاتور، ایران با پایتخت کاریکاتوریست‌های ضدسلطه بدل شد، حالا نوبت آن است که در عرصه سینما نیز چنین جایگاهی تثبیت شود. جشنواره فیلم مقاومت، ظرفیت آن را دارد که به مرکز ثقل فیلمسازان مستقل جهان بدل شود. شرط آن، تداوم، نهادینه‌سازی و رسانه‌ای‌سازی این جریان نوپا در قالب دبیرخانه‌ای دائمی و بین‌المللی است.

نمونه‌های موفق همکاری چندملیتی در سینمای مقاومت (همچون فیلم‌های «بازمانده» و «۳۳ روز») نشان داده‌اند که پیوند هنری ملت‌های مقاومت از خاورمیانه تا آمریکای

است. عبور آزادانه شخصیت‌ها از مرزها و ایست‌های امنیتی، دسترسی راحت به مناطق نظامی، و اجرای عملیات‌های مضحک در قلب تهران، همگی از سناریویی ضعیف و فاقد منطق روایی حکایت دارد. فیلم نه قواعد فیلمنامه و درام را رعایت می‌کند، نه قواعد فانتزی را بلد است؛ بلکه در تلاش برای ترکیب هر دو، تنها سردرگمی می‌آفریند.

● بی‌توجهی به حافظه جمعی؟

در دهه‌های گذشته، کمدی‌های سیاسی – اجتماعی ارزشمندى در سینمای ایران ساخته شده‌اند که با زبان طنز، معضلات جدی جامعه را نقد کرده‌اند؛ از «مارمولک» کمال تبریزی تا «بی‌پولی» حمید نعمت‌الله و حتی نمونه‌هایی مانند «مهمان مامان» یا «اجاره‌نشین‌ها» که طنز را با روایت‌های اجتماعی پیوند می‌دادند. در این آثار، طنز نه ابزاری برای خنداندن صرف، بلکه شیوه‌ای برای مواجهه انتقادی با واقعیت‌ها بود. اما فیلم «صددام» نه دغدغه‌ای برای تحلیل واقعیت دارد و نه احترامی برای حافظه جمعی. این‌گونه آثار، با درک نادرست از طنز سیاسی، تبدیل به نوع تازه‌ای از کمدی‌های سخیف شده‌اند که به‌جای شوخی با قدرت، خود به بازیچه‌ای کم‌مایه بدل می‌شوند.

● جمع‌بندی

«صددام» نه اثری طنزآلود است و نه سیاسی. آنچه می‌بینیم، تجربه‌ای شکست‌خورده در استفاده از قالب کمدی برای مواجهه با تاریخ است؛ فیلمی که با سطحی‌نگری، تحریف و شوخی‌های سطح پایین، یکی از تراژیک‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران را به یک داستان کودکانه تنزل می‌دهد. اگر هدف فیلم نقد جنگ یا نمایش ابعاد پنهان آن بود، می‌شد راهی دیگر پیمود. اما وقتی یک شخصیت تاریخی با بار منفی سنگین، تنها بهانه‌ای برای چند صحنه کم‌مایه کمیک می‌شود، نتیجه نه تفریح است و نه تفکر؛ بلکه تنها یک اتلاف وقت است، هم برای سازندگان و هم برای مخاطب.

لاتین ممکن و مؤثر است. اگر این الگو در قالب پروژه‌های مشترک بین ایران، ونزوئلا، فلسطین و دیگر کشورهای مستقل گسترش یابد، می‌توان شاهد تولد آثاری بود که تصویری واقعی از ایثار و مبارزه با ظلم را به جهان عرضه می‌کنند.

همان‌طور که شهید حاج قاسم سلیمانی ضرورت اتحاد هنرمندان جهان اسلام را گوشزد کرده بود، امروز این پیشنهاد رنگ عمل به خود گرفته است. جشنواره فیلم مقاومت، با استقبال صدها فیلمساز خارجی، ثابت کرد که گفتمان مقاومت تشنه بازتاب جهانی است. این بذر اکنون کاشته شده و اگر درست آبیاری شود، می‌تواند به درختی تنومند بدل شود که سایه‌اش بر سر تمام آزادگان جهان گسترده می‌شود.

● هنرمند

بانی آزادی

فرهاد قائمیان در صف اول کار خیر



فرهاد قائمیان که در سریال «استخوان سوز» نقش بازپرس را دارد، در اقدامی انسان‌دوستانه، تصمیم به آزادسازی ۱۰ زندانی محکوم مالی از استان اردبیل گرفت. فرهاد قائمیان که هم‌زمان با آغاز دهه کرامت در نقش بازپرس در سریال «استخوان‌سوز» به تهیه‌کنندگی «صادق شمسایی» و کارگردانی «مجید اسماعیلی» جلوی دوربین رفت، پیشنهاد آزاد کردن ۱۰ زندانی مالی استان اردبیل را مطرح کرد و با همراهی تهیه‌کننده، این امر مهم در راستای فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی اجتماعی و حقوق بشر محقق شد.

۱۱

فرهنگ

شماره ۱۱۸۸ | دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

صداقت

● یادداشت

شهیدرئییسی؛
الگوی فرهنگی عدالت‌محور

سعید رضایی

خبرنگار

دولت «شهید آیت‌الله رئیسی» نه‌تنها در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی بلکه در حوزه فرهنگ و هنر نیز واجد رویکردی متمایز، متعهد و تحول‌خواه بود.

مدیریت فرهنگی دولت رئیسی را می‌توان مبتنی بر سه اصل کلیدی دانست: پاسداشت ارزش‌ها، عدالت فرهنگی و حمایت از آزادی مشروع هنرمندان. بر این اساس، دستگاه فرهنگی دولت نه با تساهل و تسامح غیرانقلابی، بلکه با نگاهی عمیق و انقلابی به لایه‌های گوناگون فرهنگ و هنر نگرست. این رویکرد موجب شد که برخلاف برخی ذهنیت‌های قبلی، دولت نه‌تنها مانعی بر سر راه توسعه هنری نباشد، بلکه به بسترسازی برای شکوفایی استعدادها بپردازد.

یکی از جلوه‌های بارز این نگاه، مقابله دولت با بر خوردهای سلیقه‌ای و خودسرانه با فعالیت‌های هنری بود. برای نخستین‌بار در سال‌های اخیر، دولت به‌صراحت از برگزاری مجاز کنسرت‌های موسیقی دفاع کرد و اعلام داشت که هیچ‌کس بدون مبنای قانونی، حق ندارد مانع فعالیت‌های دارای مجوز شود. این موضع، نشانه‌ای روشن از تعهد دولت به قانون، نظم اجتماعی و احترام به شأن هنرمندان بود. در این راستا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با رویکردی فعال و حمایت‌گرا نه، نسبت به حقوق صنفی و هنری اهالی هنر و موسیقی حساسیت نشان داد و به‌دنبال کاهش فضای نااطمینانی در میان فعالان فرهنگی بود.

از سوی دیگر، دولت شهید رئیسی توسعه متوازن در حوزه‌های گوناگون فرهنگی ازجمله سینما، تئاتر، نشر و هنرهای تجسمی را نیز دنبال کرد. در دولت او شاهد رشد کمی و کیفی تولیدات سینمایی بودیم؛ تولیداتی که در عین پابندی به مبانی فرهنگی کشور، به زبان جهانی نزدیک‌تر شده و در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی خوش درخشیدند. این اقدامات، در کنار گسترش زیرساخت‌های فرهنگی در نقاط گوناگون کشور، نویدبخش الگویی نوین از مدیریت فرهنگی با محوریت عدالت و مردم‌مداری بود.

دولت شهید رئیسی با دو چالش بزرگ مواجه شد که هر یک برای تعطیل کردن سینما در ایران کافی بودند؛ شیوع گسترده کرونا و همچنین بلوای سال ۱۴۰۱. اما نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه در نهایت شرایط و وضعیت سینما در دولت سیزدهم بهتر از دولت قبل شد.

ویژگی بارز دیگر دولت رئیسی، برقراری گفت‌وگوی مستقیم و صادقانه با بدنه فرهنگی کشور بود. شخص رئیس‌جمهور بارها با اهالی فرهنگ و هنر به گفت‌وگو نشست و دغدغه‌های آنها را شنید. او در مواضع خود، همواره بر این نکته تأکید داشت که فرهنگ باید در متن سیاست‌گذاری‌ها حضور یابد، نه در حاشیه؛ چراکه زیربنای بسیاری از تحولات اجتماعی و حتی اقتصادی، در گرو فرهنگ‌سازی و تقویت هویت ملی است. فرهنگ در نگاه شهید رئیسی، نه ابزار قدرت، بلکه سرمایه‌ای ملی بود که باید در مسیر رشد کشور به‌کار گرفته شود. به همین دلیل، سیاست فرهنگی دولت او از جنس مداخله‌های مستقیم نبود، بلکه مبتنی بر حمایت، هدایت و نظارت بود؛ الگویی که توانست اعتماد نسبی طیف‌هایی از هنرمندان را نیز جلب کند، حتی اگر با برخی رویکردهای سیاسی دولت موافق نبودند. در نهایت، می‌توان گفت؛ دولت شهید رئیسی با همه محدودیت‌ها و دشواری‌هایی که پیش‌رو داشت، توانست طرحی نو در مدیریت فرهنگی کشور دراندازد؛ طرحی بر پایه ارزش‌ها، قانون‌مداری، حمایت از آزادی مشروع هنری و تلاش برای گسترش عدالت فرهنگی. این الگو، هرچند ناتمام ماند، اما می‌تواند سرمشق مهمی برای دولت‌های آینده شد.

نکته گرام

محمد سعید احدیان، دستیار سیاسی و

رسانه‌ای رئیس مجلس: جایزه ۱۰ میلیون دلاری FBI برای دستگیری «ابومحمد الجولانی» هنوز روی سیات رسمی آمریکاست، اما ترامپ او را «رهبر مقتدر» با «گذشته‌ای قوی» معرفی می‌کند! این تطهیر یک تروریست نشان می‌دهد وقتی پای منافع آمریکا در میان باشد، تروریسم هم به «خوب» و «بد» تقسیم می‌شود.

سیدمحسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام: بعد از جنگ اوکراین، صادرات نفت روسیه به اروپا ۱/۵ میلیون بشکه کم شد. اما روس‌ها فروش نفت به هند و چین را ۱/۶ و ۰/۳ میلیون بشکه افزایش داده و تحریم نفتی را بی‌اثر کردند. روس‌ها تنوع‌سازی را کنار گذاشته و نفت را اهرم «معامله کلان» با فقط دو کشور کرده و به ثبات اقتصادی رسیدند.

سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: نبرد هند و پاکستان دو قدرت نظامی و اتمی، در واقع نمایش جنگ سلاح‌های آمریکا و صهیونی با سلاح‌های چینی بود و آمریکا جهت فرار از بی‌آبرو شدن برای پایان جنگ میانجی‌گری کرد! و این جمهوری اسلامی ایران است که با تسلیحات خود از کشور دفاع می‌کند.

علی‌اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی: نام «خلیج فارس» با اجازه کسی بر آن نهاده نشده و با توهم کسی هم برداشته نخواهد شد. خلیج فارس بوده، هست و خواهد بود.

ناصرکنعانی، سخنگوی سابق وزارت خارجه: ماکرون در مصاحبه با تلویزیون فرانسه: «اقدامات نتانیاهو در غزه شرم‌آور است.» بی‌عملی اروپا نیز همین‌طور! فرانسه و اتحادیه اروپا برای جلوگیری از تداوم این اقدامات شرم‌آور و پیگرد نتانیاهوی جنایتکار و دارای حکم بازداشت از سوی دیوان کیفری بین‌المللی چه اقدامی کرده‌اند؟! هیچ!

«مهدی کشت‌دار» مدیرعامل خبرگزاری میزان: رئیس دستگاه قضا، در شبکه‌های اجتماعی و سکوها‌ی مجازی فیلتر شده حساب کاربری ندارد و حساب‌های منتسب به رئیس عدلیه در این شبکه‌ها و سکوها، هیچ‌گونه ارتباطی با شخص رئیس قوه قضائیه و قوه قضائیه ندارند.

محمدجوان اخوان، مدیر مسئول روزنامه جوان: خالی فروشی چیست؟ ترامپ در عربستان: من از اینکه ایران، «خلیج» را به عنوان «خلیج فارس» بنامد، جلوگیری کردم! البته ترامپ خودش هم می‌داند که نام اصلی این پهنه آبی چیست، اما تا وقتی که کسانی هستند که چنین حرف‌های مفتی را بخرند و به پایش دلارهای نفتی بریزند، از این پاهو‌ها خواهد گفت.

علیرضا رحیمی، دبیر شورای عالی جوانان و نوجوانان کشور: جوانی در مدیریت؛ تهدید یا فرصت؟ وقتی اقتصاد ایران نیازمند جسارت، چابکی و نگاهی تازه است، چرا سن پایین یک مدیر باید مانع باشد؟ جوان متخصص مساوی تهدید نیست، یک ضرورت استراتژیک است. وقت آن است که سن‌سنجی را کنار بگذاریم و به شایسته‌سالاری برگردیم.

فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا: چرا آمریکا در ایران کودتا کرد؟ ریچارد نیکسون: چون ایران نفت زیادی داشت و مهم‌ترین کشور خلیج فارس بود. زمانی که من رئیس‌جمهور بودم ایران، برخلاف سایر کشورهای خلیج فارس، به اسرائیل نفت می‌فروخت. اگر سازمان سیا مصدق را از حکومت بیرون نینداخته بود ایران هم به اسرائیل نفت نمی‌فروخت.

هوش مصنوعی و آینده مشاغل!

مروری بر نقش هوش مصنوعی در تغییر مسیر شغلی انسان



بر این باورند که مشاغلی که در آنها خلاقیت، هوش هیجانی و تعامل انسانی نقشی جدی دارند، در برابر هوش مصنوعی مقاوم‌تر خواهند بود. این به آن معناست که کارهایی مانند مشاوره روان‌شناسی، آموزش، طراحی هنری، مدیریت منابع انسانی و حتی بعضی حوزه‌های حقوقی همچنان نیاز به حضور انسانی خواهند داشت.

نکته مهم دیگر، نقش آموزش و بازآموزی است. افراد شاغل در حرفه‌های در معرض خطر، نیاز دارند تا مهارت‌های جدیدی بیاموزند و خود را با الزامات بازار کار آینده تطبیق دهند. برای نمونه، یک کارمند دفتری که سال‌ها با ورود داده‌های دستی سروکار داشته، اکنون باید توانایی کار با نرم‌افزارهای هوشمند را کسب کند یا حتی به یادگیری اصول تحلیل داده بپردازد. اینجاست که اهمیت سیستم‌های آموزشی پویا و به‌روز و همچنین سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از برنامه‌های بازآموزی شغلی بیش از پیش روشن می‌شود.

در ایران نیز، نشانه‌هایی از ورود این تحول

با این حال، نگاه صفر و یکی به این تحولات نادرست است. هرچند بعضی مشاغل به‌طور کامل حذف خواهند شد، اما در عوض مشاغل جدیدی نیز خلق می‌شوند. در واقع، روندی که با انقلاب صنعتی آغاز شد و در انقلاب دیجیتال ادامه یافت، حالا در قالب انقلاب هوش مصنوعی جلوه‌گر شده است. همان‌گونه که با ورود کامپیوتر بسیاری از مشاغل سنتی از بین رفتند. اما مشاغل مرتبط با IT و نرم‌افزار به‌وجود آمدند، اکنون نیز بسیاری از مشاغل جدید در زمینه طراحی، پیاده‌سازی، نظارت و ارزیابی سیستم‌های هوش مصنوعی در حال شکل‌گیری هستند.

یکی از ویژگی‌های مهم بازار کار آینده، تغییر تمرکز از مهارت‌های فقط فنی به مهارت‌های ترکیبی خواهد بود. به‌عبارت دیگر، تنها برنامه‌نویس بودن یا متخصص داده بودن کافی نخواهد بود؛ بلکه توانایی درک نیازهای انسانی، مهارت در ارتباطات، قدرت تصمیم‌گیری و خلاقیت نقش کلیدی‌تری پیدا خواهند کرد. بسیاری از تحلیلگران

گزارش

ایران دیجیتال

بررسی روندهای فناوری در کشورمان در آغاز سال ۲۰۲۵

درصد از جمعیت کشور است. با وجود این رشد، همچنان ۴/۲۰ درصد از جمعیت ایران از اینترنت استفاده نمی‌کنند که نشان‌دهنده نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در جهت کاهش شکاف دیجیتال است. این آمار حکایت از روند مستمر گسترش دسترسی به اینترنت دارد که می‌تواند به رشد دیگر بخش‌های دیجیتال کمک کند.

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی در ایران رشد چشمگیری داشته‌اند. تا ابتدای سال ۲۰۲۵، ۴۸ میلیون نفر از ایرانی‌ها به‌طور فعال در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند که معادل ۵۲/۲ درصد از جمعیت کشور است. این رشد نشان‌دهنده تغییرات عمده در نحوه ارتباط مردم ایران با فضای آنلاین و تغییر شیوه‌های اجتماعی

کل جمعیت کشور است. این آمار نشان می‌دهد که بعضی افراد بیش از یک سیم‌کارت دارند و به شبکه‌های گوناگون متصل هستند. از این تعداد، ۹۳ درصد از اتصالات تلفن همراه از شبکه‌های نسل جدید مانند ۳G، ۴G و 5G استفاده می‌کنند که به‌ویژه در سرعت اینترنت موبایل تأثیر قابل توجهی داشته است. این افزایش دسترسی به شبکه‌های نسل جدید سبب رشد چشمگیر در سرعت اینترنت موبایل شده و میانگین سرعت داتلود به ۸۸/۳۸ مگابیت بر ثانیه رسیده است.

در حوزه استفاده از اینترنت، ایران شاهد افزایش ۱ درصدی کاربران اینترنت است. تا ابتدای سال ۲۰۲۵، تعداد کاربران اینترنت به ۷۳/۲ میلیون نفر رسیده است که معادل ۶/۷۹

دیده می‌شود. برخی از بانک‌ها در حال استفاده از چت‌بات‌های فارسی‌زبان برای پاسخگویی به مشتریان هستند. فروشگاه‌های اینترنتی با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشنهاددهنده، تجربه خرید کاربران را بهبود می‌بخشند و در صنعت بیمه، تحلیل داده‌های کلان برای ارزیابی ریسک به‌کار گرفته شده است. اگرچه همچنان سهم هوش مصنوعی در بازار کار ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته محدود است، اما روند ورود آن غیرقابل انکار و غیرقابل بازگشت است. بنابراین، سیاست‌گذاری هوشمندانه برای تسهیل این گذار و آماده‌سازی نیروی کار اهمیت بسیار بالایی دارد.

از سوی دیگر، نباید از مسائل اخلاقی و اجتماعی غافل شد. استفاده گسترده از هوش مصنوعی در مشاغل می‌تواند به تبعیض الگوریتمی، بیکاری‌های ناگهانی و افزایش شکاف طبقاتی منجر شود. اگر تنها عده‌ای محدود بتوانند مهارت‌های مورد نیاز عصر هوش مصنوعی را بیاموزند، سایر افراد دیگر از بازار کار حذف شده و این نابرابری می‌تواند نارضایتی‌های اجتماعی و حتی بحران‌های اقتصادی به‌دنبال داشته باشد. بنابراین، عدالت در دسترسی به آموزش، توانمندسازی اقشار کم‌برخوردار و توسعه سیاست‌های حمایتی، باید هم‌زمان با رشد فناوری در نظر گرفته شوند.

در جمع‌بندی باید گفت که هوش مصنوعی نه پایان مشاغل، بلکه آغاز عصری جدید از تعریف و توزیع کار است. اگر این تغییر با آگاهی، سیاست‌گذاری صحیح و سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های انسانی همراه باشد، نه تنها نگرانی‌ها کاهش خواهد یافت، بلکه فرصت‌های تازه‌ای برای رشد، نوآوری و پیشرفت فراهم خواهد شد. انسان‌ها همیشه توانسته‌اند با موج‌های فناوری همراه شوند و حالا نیز نوبت آن رسیده که با قدرت فکر و خلاقیت، نقش خود را در آینده هوشمند بازتعریف‌کنند.

خبر خوب

حمایت از نخبگان

سرمایه‌گذاری روی جوانان

است. بیش از ۶۵ درصد از کاربران اینترنت ایران حداقل از یک پلتفرم رسانه اجتماعی استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد رسانه‌های اجتماعی به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی دیجیتال ایرانی‌ها تبدیل شده‌اند.

در مجموع، ایران در سال ۲۰۲۵ به یکی از کشورهای پیشرو در استفاده از فناوری‌های دیجیتال در منطقه تبدیل شده است. با رشد سریع در زمینه‌های اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، این کشور شاهد تغییرات اساسی در شیوه‌های ارتباطی و اجتماعی خود است. در آینده، برای دستیابی به رشد پایدار در این حوزه، نیاز به تقویت زیرساخت‌ها و رفع شکاف دیجیتال در مناطق گوناگون کشور احساس می‌شود.

پژواک

هک بزرگ

۳۳۰ میلیون دلار بالا کشیده شد!



شبکه «رونین» در مارس سال ۲۰۲۲ در صدر قرار داشت. بررسی‌های مشخص کرد هکرها با استفاده از تکنیک‌های مهندسی اجتماعی توانستند کلیدهای خصوصی قربانی را به‌دست آورند و تراکنش را به‌صورت مستقیم امضا کنند.

هک بزرگی در صنعت ارزهای دیجیتال گزارش شد که در آن تقریباً ۳۳۰ میلیون دلار بیت‌کوین از یک سرمایه‌گذار مسن آمریکایی به سرقت رفت و این رخداد را به پنجمین هک بزرگ تاریخ ارز دیجیتال تبدیل کرد. تا پیش از این سرقت، فهرست بزرگ‌ترین هک‌ها با سرقت ۶۲۵ میلیون دلاری از



زیرساخت طح‌های با پیشرفت ۵۰ درصد به بالا دست و در «رشد»، تأمین هزینه‌های تولید محصولات با ارزش افزوده بالا دنبال می‌شود. صندوق تا ۸۰ درصد هزینه‌ها، حداکثر ۵۰۰ میلیارد تومان، را از طریق مشارکت مدنی و مضاربه اسلامی تأمین می‌کند.

ابهام دیپلماتیک یا ناآگاهی استراتژیک؟

یادداشتی درباره مواضع چند پهلوی آمریکا و طرح‌های مشکوک داخلی

گروه اندیشه

مصباح صادق

مذاکرات مسقط، که قرار بود گامی در جهت احیای توافق هسته‌ای باشد، بار دیگر صحنه‌ای از تناقض‌ها و ابهام‌های دیپلماتیک شده است. مواضع مبهم و متضاد مقامات آمریکایی در این مذاکرات، پرسش‌های متعددی را درباره نیت و توانمندی دیپلماتیک واشنگتن به وجود آورده است. در عین حال، طرح‌های پیشنهادی برخی جریان‌های داخلی، که به نظر می‌رسد بیش از آنکه در راستای منافع ملی ایران باشد، در خدمت اهداف طرف مقابل است، به پیچیدگی این معادله افزوده است. آیا آمریکا در مذاکرات مسقط بازی تاکتیکی در پیش گرفته، یا ناآگاهی تیم مذاکره‌کننده‌اش عامل این سردرگمی است؟ و مهم‌تر اینکه، چرا هرگاه مذاکرات به بن‌بست نزدیک می‌شود، صداهایی از داخل ایران برای تسهیل خواسته‌های آمریکا بلند می‌شود؟

ابهام دیپلماتیک یا ناآگاهی استراتژیک؟

تحلیل‌گران سیاسی سه عامل اصلی را در پس مواضع چندپهلوی آمریکا در مذاکرات مسقط شناسایی کرده‌اند. نخست، استراتژی «بازی ابهام» است که ایالات متحده به عمد برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل به کار می‌گیرد. این تاکتیک، که به آمریکا اجازه می‌دهد با ایجاد سردرگمی در مذاکرات، فضا را برای امتیازگیری مهیا کند، سابقه‌ای طولانی در دیپلماسی این کشور دارد. اما آیا این ابهام صرفاً یک تاکتیک است، یا نشانه‌ای از ناهماهنگی درونی؟

عامل دوم، محدودیت اختیار تیم مذاکره‌کننده آمریکایی است. سایه سنگین دونالد ترامپ و استراتژی «مرد دیوانه» او همچنان بر مذاکرات سنگینی می‌کند. نمایندگان آمریکا، که از واکنش‌های تند احتمالی در داخل کشورشان واهمه دارند، با احتیاط و ابهام عمل می‌کنند تا از اتهام نرمش در برابر ایران در امان بمانند. این محدودیت، مذاکرات را به یک بازی محافظه‌کارانه تبدیل کرده که در آن پیشرفت واقعی قربانی ملاحظات سیاسی داخلی می‌شود.

سومین عامل، که حتی برخی تحلیل‌گران غربی نیز به آن اذعان دارند، ناآگاهی تیم جدید



دولت آمریکا از پیچیدگی‌های فنی و حقوقی برنامه هسته‌ای ایران است. اظهارات استیو ویتکاف، مقام آمریکایی، مبنی بر لزوم تعطیلی کامل تأسیسات هسته‌ای نطنز، فردو و اصفهان، نمونه‌ای آشکار از این ناآگاهی است. این درخواست نه تنها با بند چهارم معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان‌پی‌تی) که حق غنی‌سازی را برای همه اعضا، از جمله ایران، به رسمیت می‌شناسد، در تضاد است، بلکه با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و توافق برجام نیز همخوانی ندارد. این مواضع، که به نظر می‌رسد بیشتر برای مصرف رسانه‌ای و فشار روانی طراحی شده‌اند، از سوی ایران با پاسخ قاطع عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه، مواجه شد که تأکید کرد مواضع ایران از ابتدا روشن و غیرقابل مذاکره بوده است.

طرح جزیره‌ای، ابتکار یا تسلیم؟

در داخل ایران، واکنش‌ها به مذاکرات مسقط یکدست نبوده است. برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب، از جمله روزنامه هم‌میهن، با اشاره به سختی مذاکرات و مواضع تند آمریکا، نسبت به احتمال بن‌بست هشدار داده‌اند. احمد زیدآبادی، در یادداشتی در این روزنامه، با ترسیم شیخ جنگ، مدعی شد که بن‌بست در مذاکرات می‌تواند منطقه‌را به آتش بکشد. اما آنچه این هشدارها را بحث‌برانگیز کرده، پیشنهادی است که از سوی زیدآبادی و برخی



دیگر از نویسندگان اصلاح‌طلب مطرح شده و به «طرح جزیره‌ای» معروف شده است. این طرح پیشنهاد می‌دهد که تأسیسات هسته‌ای ایران به یک جزیره در خلیج فارس منتقل شده و تحت نظارت کنسرسیومی از کشورهای منطقه و جهان، از جمله کشورهای عربی، قرار گیرد. این ایده، که به ظاهر برای شکستن بن‌بست مذاکرات ارائه شده، از چند جهت مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. نخست، این طرح عملاً همان خواسته آمریکا برای تعطیلی تأسیسات هسته‌ای ایران را در قالبی جدید بازتولید می‌کند، چگونه می‌توان پذیرفت که انتقال تأسیسات نطنز و فردو به نقطه‌ای تحت نظارت ناوهای آمریکایی، در راستای منافع ایران باشد؟

دوم، پراکندگی تأسیسات هسته‌ای ایران سال‌هاست که به عنوان یک مزیت استراتژیک عمل کرده و آمریکا را از اقدام نظامی علیه این تأسیسات باز داشته است. واشنگتن هیچ‌گاه نتوانسته اطمینان یابد که با حمله به مراکز هسته‌ای ایران، توانایی غنی‌سازی این کشور را به طور کامل نابود خواهد کرد. طرح جزیره‌ای، با متمرکز کردن تأسیسات هسته‌ای در یک نقطه، این مزیت استراتژیک را از ایران سلب کرده و تأسیسات را به هدفی آسان برای حملات احتمالی تبدیل می‌کند.

سوم، پیشنهاد دخالت کشورهای عربی در نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران، که هیچ تجربه‌ای در حوزه فناوری هسته‌ای ندارند، نه تنها غیر منطقی

است، بلکه توهینی به استقلال و توانمندی علمی ایران محسوب می‌شود. ایران، که حتی نظارت مستقیم آمریکا را نپذیرفته و تنها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به عنوان نهاد ناظر به رسمیت می‌شناسد، چرا باید به چنین پیشنهادی تن دهد؟

شیخ جنگ یا بازی ترس؟

یکی از نکات قابل تأمل در رویکرد برخی اصلاح‌طلبان، استفاده مکرر از حربه «شیخ جنگ» برای ترغیب افکار عمومی به پذیرش چنین طرح‌هایی است. این جریان، از زمان مذاکرات برجام تا امروز، بارها با ایجاد فضای ترس و هراس از جنگ، تلاش کرده ایده‌های خود را به عنوان تنها راه‌حل ممکن معرفی کند. اما واقعیت این است که تهدید جنگ، سال‌هاست که رنگ باخته است. اگر آمریکا جنگ را راه‌حل می‌دانست، سال‌ها پیش دست به اقدام نظامی زده بود. ناتوانی آمریکا در برابر ایران، چه در حوزه نظامی و چه در حوزه دیپلماتیک، این تهدیدات را بی‌اعتبار کرده است. پرسش اینجاست که چرا هرگاه آمریکا در مذاکرات به بن‌بست می‌رسد، جریانی در داخل ایران برایش راه‌حل ارائه می‌دهد؟

عزت ایران در گرو پایمردی

غنی‌سازی اورانیوم، حقی است که نه تنها در ان‌پی‌تی، بلکه در مذاکرات برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ برای ایران به رسمیت شناخته شده است. این حق، نتیجه سال‌ها تلاش علمی و مقاومت ملت ایران است و قابل مذاکره نیست. آمریکا، که با مواضع غیر منطقی و غیرحقوقی خود مذاکرات را به چالش کشیده، باید بپذیرد که این ایران نیست که باید کوتاه بیاید، بلکه واشنگتن است که باید از مواضع غیرواقع‌بینانه خود عقب‌نشینی کند.

در ایسن میان، رویکرد برخی رسانه‌ها و تحلیل‌گران داخلی، که به جای دفاع از حقوق ایران، در پی راضی کردن طرف مقابل هستند، جای تأمل دارد. روزنامه هم‌میهن، که پیش‌تر حتی جعل نام خلیج فارس را حق دونالد ترامپ دانسته بود، نمونه‌ای از این رویکرد است. این قبیل مواضع، نه تنها استقلال و عزت ایران را نشانه می‌گیرد، بلکه پرسش‌هایی جدی درباره نیت چنین تحلیل‌هایی مطرح می‌کند.

آفاق

مردمی بودن؛ رمز ماندگاری انقلاب



کسوت مسئول و چه در جایگاه یک شهروند، باید چنان عمل کند که مردم او را از خود بدانند. این پیوند، زمانی محقق می‌شود که مسئولان، خود را خدمتگزار مردم بدانند. در شرایط کنونی، که دشمنان با جنگ نرم و فشار اقتصادی در پی جدایی مردم از نظام‌اند، تأکید بر مردمی بودن بیش از پیش اهمیت دارد. انقلابی‌گری به معنای زیستن با مردم، شنیدن صدای آن‌ها و عمل به وعده‌هاست. این شاخصه، نه‌تنها نظام را در برابر تهدیدات مصون می‌کند، بلکه به جامعه اسلامی، روح وحدت و همدلی می‌بخشد. به تعبیر امام خمینی (ره)، حکومتی که از مردم باشد و برای مردم، هرگز سقوط نخواهد کرد. رهبر معظم انقلاب نیز در حرم امام در این خصوص خاطر نشان کردند: «انقلابی‌گری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار بدهند؛ این انقلابی‌گری است.»

۱۳

خرد

شماره ۱۱۸۸ | دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

مصباح

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۴۳

همخوانی خلافت با سرشت

طبیعی انسان

شهید محمدباقر صدر با نگاهی عمیق به مفهوم خلافت انسان، این ایده را نه تنها یک اصل دینی، بلکه بنیانی برای درک جایگاه انسان در نظام هستی معرفی می‌کند. خلافت، به معنای جانشینی انسان از سوی خداوند در زمین، مفهومی چندبعدی است که از یک‌سوریشه در فطرت انسانی دارد و از سوی دیگر، مسئولیت‌هایی عظیم را بر دوش او می‌نهد. این یادداشت، با الهام از دیدگاه شهید صدر، به تبیین این مفهوم و دلالت‌های آن در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد.

نخستین ویژگی خلافت، جعل الهی آن است. خداوند انسان را به‌عنوان امانت‌دار خود در زمین برگزیده، نه به‌سبب خودبینی انسان، بلکه به‌منظور هدایت او به‌سوی کمال و سعادت. این خلافت، اعتباری است و از منشأی الهی سرچشمه می‌گیرد. قرآن با استفاده از فعل «جعل» بر این نکته تأکید دارد که انسان، صاحب ذاتی حاکمیت نیست، بلکه امانت‌داری است که باید در برابر خالق پاسخگو باشد. به‌بیان دیگر، انسان محور مسئولیت الهی است و این جایگاه، او را به موجودی متعهد و هدفمندتبدیل می‌کند.

باین حال، خلافت انسان محدود و نسبی است. توانایی‌ها و امکانات بشری، ذاتاً ناقص و خطاپذیرند. انسان، به‌دلیل سرشت خود، ممکن است به اشتباه، گناه یا حتی ظلم گرایش یابد. این محدودیت، به‌ویژه در حوزه سیاست و قدرت، نمود بیشتری دارد. ازاین‌رو، خلافت نمی‌تواند به‌صورت مطلق و بی‌حدومرز تعریف شود. این دیدگاه، هشدارای است به حاکمان و جوامع که قدرت را نه به‌عنوان حقی ذاتی، بلکه به‌مثابه امانتی الهی و محدود ببینند. از منظر دیگر، خلافت امری تکوینی و فطری است. برخلاف تصور برخی که آن را صرفاً وظیفه‌ای تشریعی می‌دانند، شهید صدر تأکید می‌کند که خلافت با سرشت طبیعی انسان هم‌خوانی دارد. این جعل، شبیه به خلقت یا تکمیل آن است، مانند وقتی که خداوند پس از خلق آسمان‌ها و زمین، با جعل نور و ظلمت، نظام هستی را کامل کرد. خلافت، بخشی از هویت ذاتی انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی و مدنی است که بدون آن، انسانیت او ناقص می‌ماند.

این ویژگی فطری، خلافت را به سنت الهی تبدیل می‌کند؛ قانونی تغییر ناپذیر که ریشه در طبیعت انسان و جهان دارد. انسان، به‌تعبیر فارابی، موجودی «مدنی بالطبع» است و خلافت، لازمه تحقق این سرشت است. هرچند ممکن است برخی به‌صورت موقت در برابر این سنت مقاومت کنند، اما فطرت انسانی در نهایت به‌سوی آن باز می‌گردد.

خلافت همچنین عمومی و همگانی است. هیچ فرد، گروه یا طبقه‌ای نمی‌تواند آن را به خود اختصاص دهد. همه انسان‌ها، صرف‌نظر از نژاد، جایگاه یا فرهنگ، در این مسئولیت برابرند. این برابری، بنیانی برای عدالت اجتماعی و سیاسی فراهم می‌کند و هرگونه تبعیض یا انحصارطلبی را نفی می‌کند.

در نهایت، خلافت گسترده و فراگیر است و تمام جنبه‌های زندگی بشر، از سیاست و اقتصاد تا فرهنگ و اخلاق را در بر می‌گیرد. در اقتصاد، انسان موظف است ثروت را بر اساس دستورات الهی مدیریت کند؛ در سیاست، خلافت به ولایت، امانت‌داری و مشارکت فعال در جامعه ترجمه می‌شود. این سه جنبه، ریشه در عقل و آزادی انسان دارند و او را به موجودی مسئول و مشارکت‌جو تبدیل می‌کنند.

قبیله عشق

شهادت بعد ۹۸ روز



«شهید حسن مهرابی» در خانواده‌ای مذهبی رشد پیدا کرد. یک خواهر و پنج برادر داشت. پدر خانواده از کارگران ذوب آهن البرز شرقی بود که رزق حلال اهل خانواده‌اش را با زحمت و کار در تونل و استخراج ذغال‌سنگ تأمین می‌کرد. اگرچه علی مهرابی، پدر شهید، درگیر کار سخت و مشغله‌های کارخانه بود. اما مشغله‌هایش سبب نشد تا از فعالیت‌های انقلابی و یاری همشهریان‌ش در مبارزات علیه رژیم شاه وارد نشود. پدر شهید علاوه بر خودش، فرزندانش را هم به حضور در این مبارزات تشویق و ترغیب می‌کرد. حسن هم از همین طریق وارد جریان انقلاب شد. شهید حسن مهرابی بعد از اتمام مقطع راهنمایی وارد هنرستان شد و با علاقه‌ای که به رشته‌اش داشت موفقیت‌های بسیاری در این زمینه کسب کرد. جنگ تحمیلی که آغاز شد نوجوانان و جوانان پیشقراولان حضور در جبهه‌ها شدند و برای دفاع از کشور و اسلام راهی شدند. نوجوانانی که سن و سال زیادی نداشتند. اما در جبهه نشان دادند که درس ولایت‌مداری‌شان را با نمره شهادت قبول می‌شوند. حسن ابتدا وارد بسیج شد و در تمام فعالیت‌های بسیجی شرکت می‌کرد تا مقدمات حضورش در جبهه را فراهم کند. پدرش که راهی جبهه شد، حسن هم به تبعیت از او بعد از سپری کردن دوران آموزشی به جبهه رفت. اشتیاق او به جبهه آن‌قدر زیاد بود که سن کمش هم نتوانست مانعی ایجاد کند. راه‌های گوناگونی را در پیش گرفت تا مسئولان اعزام را مجاب کند به او اجازه دهند به جبهه برود. در نهایت رضایت مسئولان و خانواده را جلب کرد و درحالی‌که تا اول هنرستان بیشتر نخوانده بود، راهی جبهه شد. خواست خدا بر این بود که حسن را خیلی زود به آرزویش برساند.

حسن مهرابی کمی بعد از حضورش، یعنی تنها بعد از ۹۸ روز حضور در جبهه در تاریخ ۲۲ آبان ماه سال ۱۳۶۴ درحالی‌که بیشتر از ۱۵ بهار از عمرش نگذشته بود، بر اثر اصابت ترکش در خط پدافندی جاده خندق به شهادت رسید. پیکر پاکش در گلزار شهدای فردوس رضای دامغان به خاک سپرده شد. حسن فرزند مقید و مطیعی بود و همواره برای جلب رضایت پدر و مادرش می‌کوشید. مادر شهید می‌گوید: «یکبار همراه حسن از کنار فردوس رضا می‌گذشتیم. صدای قرآن بلند بود. جمعیت زیادی برای تشییع و تدفین آمده بودند. حسن گفت: «این‌طور مردن به درد نمی‌خورد. خوب است آدم در جهت هدفی مقدس به شهادت برسد.» مادر ادامه می‌دهد: «وقتی پدر و برادرش از جبهه آمدند، اجازه پدر را گرفت. برای جلب رضایت من خیلی تلاش کرد. یک روز کنارم نشست و دست‌ان را غرق بوسه کرد. پشانی‌اش را بوسیدم و گفتم: برو پسر! برو که حضرت زهر(س) از ما کله نکند که چرا اهل من ناصر ی‌نصرنی پسر مرا جواب ندادید؟!» وقتی خبر آوردند حسن به شهادت رسیده با چشمانی گریان دست‌ان را به سمت آسمان بلند کردم و گفتم: «خدایا حسن مرد خدا بود و شایسته شهادت. این هدیه کوچک را از من قبول کن.»

فاطمه ساداتی

خبرنگار

مادر شهید «ابوالفضل نیکزاد» پیش از آنکه ابوالفضلش را راهی دفاع از حرم کند، داغ یک پسر دیگرش را دیده بود. آن یکی برادر ابوالفضل، طبله و ۱۷ ساله بود که در راه بازگشت از زیارت حضرت عبدالعظیم(ع)، در شب میلاد حضرت امیرالمؤمنین(ع) وقتی تمام کارهای هیئت را برای برگزاری مراسم جشن انجام داده بود با تریلی تصادف و فوت می‌کند. اما داغ رفتن ابوالفضل برای مادر طور دیگری سخت بود. او که فرزند جوانش را در ۳۲ سالگی برای دفاع از حرم اهل بیت(ع) در شام پر بلا عازم سوریه می‌کند، با همه دل‌بستگی‌ها در لحظه‌ای که خبر شهادت فرزندش را می‌شنود، سجده شکر بجا می‌آورد. روایت او از شهید ابوالفضل نیکزاد و شهادت او را در گفت‌وگویی با «زهره ملاطیفه» می‌خوانیم.

ابوالفضل از بچگی خیلی آرام و صبور بود، فقط موقع خواب اصرار می‌کرد که برایش از علی اصغر بخوانم، روزهای تاسوعا و عاشورا هم او را دست‌به‌دست داخل دسته می‌فرستادم، این‌طور او را بیمه امام حسین(ع) می‌کردم. در کارهایش نظم زیادی داشت. اهل بسیج و فعالیت‌های مسجدی بود. هرچه توان داشت برای کارهای مسجد و بسیج می‌گذاشت، گاهی اوقات که شب‌ها دیر به خانه می‌آمد، می‌گفتم مادر این موقع شب نمی‌خواهی استراحت کنی؟ این روحیه را خودم هم داشتم، دوران دفاع مقدس برای رزمندگان لباس و وسایل خواب آماده می‌کردم.

هر مشکلی داشتم با ابوالفضل تماس می‌گرفتم

مدیریت ابوالفضل چه در زندگی چه در کارهای دیگر مانند درس و غیره خوب بود، برای همین هر مشکلی داشتم با او تماس می‌گرفتم. زمانی که به سوریه رفت، در گيرودار اسباب‌کشی و عوض کردن خانه بودم، مدام نگران این بودم حالا که می‌رود وضعیت من چگونه می‌شود. از آنجا زنگ می‌زد و می‌گفت: «مادر تا فرصت کوتاهی پیدا می‌کنم نگرانتم می‌شوم که می‌خواهی چه کار کنی.» وقتی قرار شد در همین خانه بنشینم کمی خيالش راحت شد. می‌گفت: «مادر خیلی مراقب خودت باش، ما به شما نیاز داریم.» من هم می‌گفتم: مگر من را به حضرت زینب(س) نسپردی؟ خود خانم مراقبت می‌کند. هر کاری که می‌دانست رضایت خدا در آن است را انجام می‌داد، حرف کسی هم رویش اثر نمی‌گذاشت، زندگی برایش اهمیت داشت و هر قدمی که برمی‌داشت با اعتقاد راسخ بود، می‌گفت در این لحظه وظیفه ما چنین است و باید هرچه از دست‌مان برمی‌آید، انجام دهیم. شش ماه دوره تکاوری را دید. در آن مدت خیلی دلوایس و نگران بودم. دو ماه اصلا خانه نیامد و به شیراز رفت. همه موقعیت شغلی‌اش را به همسرش گفته بود. تأکید کرده بود که من شما را انتخاب کردم ولی اگر اطرافیان

گفت‌وگوی صبح صادق با مادر شهید ابوالفضل نیکزاد

سجده شکر در شهادت فرزند!



وقتی رسید تماس گرفت. هر شب زنگ می‌زد و حال ما را می‌پرسید و از خودش خبر می‌داد. وقتی برای اولین‌بار به حرم حضرت زینب(س) رفت خبر داد که در حرم دعائیان کردم. وقتی این جمله را شنیدم انکار حالم بهتر شده بود، فهمیدم ارتباط قلبیم با بی‌بی زینب(س) برقرار شده است.

راضی به رضای خدا

سه شب قبل از شهادت تماس گرفت و عذرخواهی کرد، گفتم من تو را به خدا سپردم، با این همه نگفتم زنگ زدن‌هایت من را آرام نمی‌کند. نمی‌دانستم بعد از اینکه گوشی را قطع می‌کند چه اتفاقی می‌افتد. هر بار که تماس می‌گرفت کوتاه صحبت می‌کردم چون حرفی هم برای گفتن نداشتم. به من گفت: «مادر تا شما راضی نشوی اتفاقی برام نمی‌افتد.» همان‌جا باز هم گفتم خدایا اگر رضایت به شهادت است، من مشکلی ندارم؛ ولی اسیر دست دشمن نشود. فرزندم را تقدیم حضرت زینب(س) می‌کنم.

بعد از این گفت‌وگو هر بار که دیر تماس می‌گرفت، نگران می‌شدم. غروب روزی که به شهادت رسید خیلی کلافه بودم. رفتم بیرون تا کمی حالم بهتر شود. تا آخر شب که تماس نگرفت، گفتم تمام شد. بعدا جواد پسر دیگرم تعریف کرد که از ساعت ۱۱ صبح مدام به من زنگ می‌زدند و از حال ابوالفضل خبر می‌گرفتند، می‌خواستند ببینند خبرهایی که درباره شهادتش شنیده‌اند، درست است یا نه؟

ساعت ۹ صبح بود که پسرم به خانه ما آمد. زنگ در را که زد به دخترم گفتم که خبری شده است. پسر مرا که دیدم اول حال و احوال خانواده‌اش را پرسیدم و بلافاصله گفتم از ابوالفضل چه خبر؟ کمی مکث کرد. دوباره پرسیدم شهید یا جان‌باز؟ گفت: «شهید شده.» سرم را به سجده گذاشتم و خدا را شکر کردم که پسرم به هدفش رسید و تکلیفش را به‌درستی انجام داد. همان لحظه رو کردم به آسمان و گفتم خدایا این قربانی را از من بپذیر، به حضرت زینب(س) متوسل شدم و انگار مثل کوه استوار شدم.

که تماس بگیرند.» گفتم اشکالی ندارد ثبت‌نام کردی؛ ولی پیگیری نکن. ناراحت شد و گفت: «پس چرا اجازه‌اش را دادید؟» گفتم خدا اگر بخواهد خودش‌ان زنگ می‌زنند. هنوز آماده رفتن نبودم، برای همین گفتم باید آماده شوم، گفت: «باشد، من زنگ نمی‌زنم، منتظر می‌شوم خودشان تماس بگیرند.» وسط ظهر بود که به خانه آمد. تعجب کردم چون هیچ‌وقت این ساعت از روز نمی‌آمد، در را باز کردم، همین که من را نگاه کرد، اشک امانش نداد و مثل باران از چشم‌هایش سر‌آزیز شد، رفت آشپزخانه و صورتش را شست و گفت: «شما را که نگاه کردم، گریه‌ام گرفت.» گفتم حتما چیزی هست که گریه‌ات گرفته. ایستاد و دو رکعت نماز خواند، نمی‌دانم نماز شکر برای خودش بود یا نماز صبر برای من؟! بعد از نماز گفت: «باید تا ساعت سه عصر خودم را به فرودگاه برسانم.»

وداع حضرت زینب(س) را به چشم دیدم

لحظات خیلی سختی بود، حس کردم اگر بروم، رفته، خودش هم گفته بود: «هرکس می‌رود روی زنده ماندش ۵۰ درصد بیشتر حساب نکنید.» ایستادم برای خداحافظی، دل همه‌مان آشوب بود. من کسی نیستم که بخواهد این حرف را بزند؛ ولی لحظه وداع حضرت زینب(س) با امام حسین(ع) جلوی چشمم آمد. ابوالفضل سرم را بوسید، دستم را بوسید، پاهایم را بوسید، بغلش کردم، گفتم: مادر این‌طور نکن، برو حواست به خودت باشد، به خدا سپردمت. گفت: «شما و همسرم را به حضرت زینب(س) سپردم.» از زیر قرآن رد شد. دو بار رفت و برگشت. آخرین‌بار که رفت به دخترم نگاه کردم و گفتم: مرضیه، رفت. آب و سبزه برایم خیلی آرامش دارد، همیشه برای اینکه آرامش بگیرم پنجره را باز می‌کنم و با دیدن سبزه‌های توی حیاط آرامش می‌گیرم. بعد از رفتن ابوالفضل یکبار که پنجره را باز کردم به چشمم آمد که پارچه‌ای مشکی روی سبزه‌ها قرار گرفته، همان‌جا گفتم به دلم افتاده است که ابوالفضل شهید می‌شود.

شما انقلاب و رهبر معظم انقلاب را قبول نداشته باشید، کاری با آنها ندارم. این موضوع خیلی برایش مهم بود. خط قرمز هم رهبری بود. می‌گفت با کسی که رهبری را قبول نداشته باشد، رفت‌وآمد نمی‌کنم. ولی در همین زمینه‌ام اعتقاد داشت باید تمام سعی‌مان را بکنیم تا متوجه‌شود، باید با عمل‌مان راه‌درست را نشان دهیم. در ماجرای اتفاقات سال ۱۳۸۸ و فتنه فتنه‌گران، ابوالفضل خودش را به میدان دفاع از انقلاب رساند و در درگیری با فتنه‌گران هم مجروح شد. بعد از گذشت دو ماه از اتفاقات سال ۱۳۸۸ مشکل جسمی داشت و وقت راه رفتن پاهایش را روی زمین می‌کشید. وقتی می‌پرسیدیم چه شده و برو دکتر، می‌گفت کار دکتر نیست. حتی به‌دلیل استنشاق گاز شیمیایی تنفسش هم مشکل پیدا کرده بود.

دعایان شهادت باشد حرفی ندارم

ابوالفضل همیشه می‌گفت شهادت را دوست دارم. به بچه‌های می‌گویم هر دعایی می‌خواهید بکنید، اگر دعایان شهادت است، من حرفی ندارم و برایتان دعا می‌کنم. همیشه از خدا خواست‌ام بغیر از شهادت هیچ گزندی به بچه‌هایم نرسد و اگر در تقدیرشان شهادت نوشته شده است، من مشکلی ندارم.

وقت رفتن به سوریه گفت: «حرم حضرت زینب(س) ناامن است، من باید بروم جلوی تکفیری‌ها را بگیرم.» گفتم پس من و خواهرت چه؟ با این حرف‌ها می‌خواست کم‌کم آماده‌ام کند. گفت: «من تصمیمم را گرفته‌ام و می‌خواهم ثبت‌نام کنم.» اختیار را با من گذاشت که اگر راضی باشی می‌روم، چون حرف اول و آخر را مادر می‌زند. نشست و من را آماده کرد، در آخر گفتم برو به امید خدا، خدا نگهدار باشد، سپردمت به خدا و خود خانم حضرت زینب(س)، فقط اینکه دست دشمن نیفتی، تمام سعیت را بکن و من هم مراقب فرزندت هستم. چند هفته مانده به اعزام مدام به ما سر می‌زد. یکبار گفتم ابوالفضل برای سوریه چه کار کردی؟ گفت: «فعلا فقط ثبت‌نام کردم تا وقتی

سنگر کتاب

علی قفا

کتاب «علی آقا» نوشته «سمانه خاکبازان» روایت داستانی از زندگی شهید مدافع حرم «علی یزدانی» است. در بخشی از کتاب آمده است: «یک آن تمام دنیایان می‌شد همان تکه زمین خاکی پر از قلوله سنگ و یک توپ دولاب به پلاستیکی قرمز. بازی شروع می‌شد و صدایان محله را برمی‌داشت. برای آنکه در تیمی بازی کنی سرت دعوا بود. آخر در فوتبال کسی روی دستت نبود. تیم برنده تیم تو بود؛ البته تا غروب. آسمان که به رنگ مس گذاخته درمی‌آمد، برده یا باخته بازی را‌ها می‌کردی و می‌دوی سمت مسجد. کدام مسجد؟ فرقی نمی‌کرد.»



کوله بار

میلیاردر عراقی

آن موقع به جناب آقای اسحاقی (مسئول واحد جنگ الکترونیک سپاه) مدرک ارائه نکردم، ولی آقای اسحاقی از طریق یک نفر فهمید که من لیسانس دارم. من دوتا مدرک از انگلیس و دانمارک دارم. یک نفر میلیاردر عراقی در انگلیس زندگی می‌کرد. آنجا را ول کرد و با زن و بچه‌اش به ایران آمد. در جنگ هم شرکت می‌کرد و پسرش عمار را با خودش می‌آورد. گفتم عمار را چرا می‌آوری؟ گفت: «پسرم بهتر از علی اصغر امام حسین(ع) که نیست!» همچنین در عملیات شرکت می‌کرد.



